

بدین و آئین عهودی میدانم فرض و واجب است که
 بی تأمل در مقام اجراء آن احکام بر آئین و خود را
 در دنیا و آخرت رو سفید نمانم و گوی نیکامی را
 برآیم و اگر از در مخالفت و سهل انگاری بر آئین
 در نزد صاحب اسلام مسئول و مطالب خواهیم بود
 و اکنون برای این کار من آماده و مهیا گردیده و
 بر خود واجب کرده ام که تا آن احکام مطابقت را
 جاری نسازم راحت و آرام نگیرم و هر کس از شما
 حضار که بخواهد از در خلاف بر آید فوراً جان و مال
 وی در خطر و عرض و ناموس وی بآمال خواهد
 گشت ، و اگر چه شماها قبل از وقت حاضر نشده اید اما
 باید همین حالا تمام روساء ادارات دولتی از عهده خود
 استعفا داده دوا را تصرف مالت بدهید و هر کس
 که مخالف این امر است بیج تکلیفی جز جنگ ندارد ،
 دولتبان که خیال کرده بودند مجلس هفت و عشرت
 دعوت شده اند یکمرتبه از شنیدن این قاتل دهشت
 بر آنها دست داده و حاشان تغییر کرد و بعد از آن
 امیر نجبه استعفا کرد که حضرت حجة الاسلام مهلتی
 نماند بدهند تا از طهرات تکلیف بخواهد ولی آقا
 فرمودند که اگر مهلت محبة ایست که با ملت معارضه
 کنی ممکن است همین الآن بگوئی تا فهمیم و آعادة
 جنگ شویم و الا تاخیر بکار نمیخورد و هر طور بود
 استغنائی از هیئت مأمورین ایران گرفتند باخضوعون -
 (مامیت مأمورین ایران بر حسب تکلیف عموم
 مات بوشهر حال تاریخ از عهده خودمان استعفا
 دادیم و دیگر دخل و تصرف نخواهیم داشت)
 اعضا - میر نجبه احمدخا - کارگذار استلام الدوله
 حسین - شجاع الملك محمد علی - مسعود الممالک محمد
 حسن - دبیر الممالک جواد - سروش الملك و ماب - جلال
 لشکر صادق - مستبشر الدوله عبد علی -
 در این وقت هم اردوی ملی داخل شهر ورود
 کرده و منتظر اوامر حضرت آقا بودند، و بعد از انعام
 کار و گرفتن استغنائی دیوانیان هیئت حضار بدارالحکومه
 رفت فوراً بیعت مشروطه را افرشته و بیعت و بیعت
 توپ سلام بجهت تشریفات و احترامات آنفوقه شایسته
 گردیده حضرت آقا و رئیس انجمن در محل حکومتی
 جلوس سکوده خطیبی هم نطق غرضی در لزوم
 مشروطیت و نکوهش استبداد داده تبریک و تهنیت

همی هم اظهار شد -

روز دیگر که غره ربيع الاول بود بملاق و بیعت
 مجلس نانی در دار الحکومه تشکیل یافته و جوهر نهر
 و اهتزاز و اکار و کسبه حضور یافتند و با مسرت خاطر
 مبارکباد گفتند و چندین دست از اردوی ملی برای
 حفاظت مواضع لازمه معین شده و بکار خود فرستاده
 شدند ، و بعد از آن رفته ذیل از طرف حضرت
 حجة الاسلام بمعموم قوسلات دول ارسال و از این
 موده بآنها اعلام گشت

صورت خط مدین قرار است

(تاریخ غره شهر ربيع الاول)

(۱۳۲۷ بوشهر)

خدمت جناب شوکت و فخامت مسانح حلاله و نبالت
 مآب مکرم دوست معظم مشفق محترم حوال قوسلگری
 دولت بیه دام اقباله العالی - عرض میشود تا کمال
 احترامات قائمه خاطر محبت و مودت ذخایر را فریب
 استحضار میباشد که محول و قوه خداوندی بر حسب
 احکام مطابقت حجاج اسلامیه دامت ظلالم علی رؤس
 الامام مات بوشهر بموافق جماعتی از احرار و مجامدین
 و مفضضای و طایف مایه محض رفع حکومت استبدادی
 و منع تصرفات مستبدین و تعیین حکومت قانونی و
 اقامه و استقرار حدود قانون اساسی و افعال قوانین
 مقدمه مشروطیت پیام عوده از روی ممانعت مقصود
 نایل گردیده اند

از جمله تکالیف فرضیه ایشان حفاظت و حسانت
 قوس و اموال و امراض قاطبه رعایای دول منحصراً
 و رعایت مراسم و دادیه و احترامات قایقه و امنیت
 قوسو لحاه و تجارتخانه دول معظمه کامله الوداء است
 و موقفاً مراسم مذکوره را این دوستدار متعهد است
 چون مأمورین ادارات استبدادیه مانند حکومت و
 کار گذاری و غیرها در روز گذشته از سمت خودشان
 استعفا داده و فعلاً از هر گونه دخالت ملغز اید هیچ
 سمت نشاء نخواهند بود و موقفاً این دوستدار متصدی
 و مرتب انجمن قضایای اتفاقیه و مطالب اظهاریه آن
 دوست معظم است در اینموقع مقام شمرده تجدید
 مراسم آنجا و مودت و و داد میباشد

(خادم التبریه مرضی الحسینی الاخری)

(محل مهر مبارک)

مسموع شد که همان شب از طرف مشیرالسلطنه تلگرافی بجناب اهری رسید که دریا یکی در حضور شاه شرحی از مراتب فتن و برهنگاری و قوی و بنداری شا اظهار کرده و خاطر هاجون از این رهگذر بسی خرم شده و حالا مرا مأمور کردند که مراتب التماس و مرحت خسروانه را بشما برسانم و علاوه بر آن لقب جلیل نظام العالی نیز بشما عطاء کرده اند و ملفوظه فرمان هم در پست ارسال میشود و در لایب دریا یکی شما با نایب الحکومه همراهی کنید ، اما چون جناب حجة الاسلام میدانستند که دولتبان با این حیل و ربه ورنه میخواهند ایشان را از حصول مقصود ملی مانع شود از این رو هیچ اعتنا به این عوام نکرده و مذکور است جواب را چنین داده اند (که من لقب و منصب لازم ندارم و خودم یکی از خدمتگذاران شریعت هستم و حالا که به ملک ملت بستم و تا حقوق مقصود آنها را بدست بیاورم راحت نکند و بمدها شهر و توابع در تصرف مشروطه خواهان آمده و تا اندازه مقاصد حاصل گردیده است) اخبار این حرکت ملی را هم جمیع قاطب لازم ملای تبریز و اسلامبول و بندر عباس و لنکه وغیره دادند .

اردوی ملی هم که مرکب از تشکیلهای تنگستانی است هده شان به یکتزار و یاسد میرسد و هنوز هم دارد از بیرونهای بوشهر می آیند ، روز دیگر اس فرمودند رئیس کربک نوشته شود که باید اداره کربک را تسلیم میکنند ولی مشار الیه بعضی معاذیر متعذر گشت و طفره رفت اما همان روز یک دست از اردو مجهاز کوجک دولتی (گیلان) رفته بدون خونریزی آن را قبضه کردند و روز پنجشنبه هم کشتی هاجونی برسیلیس با حکم سابق بنادر (معززالموله) وارد شده و مشار الیه میخواست پیاده نشود و یکسر مجهاز (مورستان) که لنگر انداخته بود رود و وحسب بجمعه شود ولی از آنجا که مبلغهای کلان مدیون بود توقیف شده و با سر جناب آقا تحت الحفظ او را نگاه داشتند و تمام سراز و تشکیلهای که با وی در جهاز بودند برقی چین شده بد مآذون به پیاده شدن گردیدند و شب آنروز هم یک جوقه از اردوی ملت روی جهاز (برسیلیس) رفته آن را قبضه کردند و کاپیتان آن کشتی هم اظهار

اطاعت و اقیاد کرد

جناب حاجی میرزا محمد قاضل دشتی هم که از جمله علماء متبحر اند یک دست تشکیلهای را احضار کرده و تحت امر خودشان برای حفظ شهر و امنیت بلد نگه داشتند و جماعتی از اردوی ملی بکمرکلاه رفته آنها را قبضه خود آوردند و ابدأ آشوبی دست نداد و خونریزی واقع نگردید و روز دیگر تمام احزاه کربک در دارالحکومه احضار شدند و جناب آقا شرحی شفاهاً بآنها اظهار فرموده آنها را امر باطاعت ملت کردند و ایشان هم فرمایشات آقا را قبول کرده بکار خود مشغول شدند ولی چون رئیس کربک امتناع کرده بود که بکار خود بیاید از این جهت ریاست کل کربکات از طرف ملت بمسئو موزس خان نایب مدبر سابق کربکات محول شد و فرمانی از جناب آقا در این باب نوشته شد و چنین مقرر فرمودند که بایدات کربکی باید بنظارت مأمور مخصوصی از طرف ملت به یکتفر تاجر امین داده شود که نزد او اطاعت باشد و جناب حاجی میرزا غلامحسین کازرونی بمیل و رضاه خود قبول این خدمت را فرمودند و از جناب جناب اهری سلمه الله تعالی دستور العمل رئیس جدید کربک داده شد که وجوهات کربکی را بحاج معظم الیه بسپارد ، در تمام مواضع لازمه هم از اردوی ملت مستحفظین کافی برای حفظ و حراست مردم و قرار شده استقامات و سنگرهای متعدد تهیه شده است

روز جمعه ۴ ربیع الاول ترتیب انجمن ملی ولایتی را دادند و اشخاص مفصله ذیل را بصویت انجمن انتخاب فرمودند

از جانب علماء

- جناب شریعتمدار آقا سید محمد علی دهنشقی
- آقا سید محمد شفیع کازرونی
- آقا سید عبدالله بهمانی
- حاجی شیخعلی دشتی
- فخر الاسلام صفوری
- حاجی میرزا محمد دشتی

از جانب تجار

- جناب حاجی عبد الرسول رئیس التجار بوشهری
- حاجی سید محمد رضا تاجر کازرونی

• حاجی میرزا غلامحسین تاجر کازرون

• حاجی محمد علی دهنش

• حاجی محمد حسن پرازجای

• آقا میرزا علی تاجر کازرون

و در حالیکه نام وجوه رؤسا و بزرگان عسکری و کهنوری حضور داشتند با سلام و صلوات از دار الحکومه حرکت کرده بخانه انجمن ملی تزلزل کردند و انجمن را افتتاح فرمودند و برای تبریک افتتاح بیست و یک تیر نوبت شلیک گردیده و نظایر بلیغ داده شد و تمام اعضاء انجمن بجز از ۳ نفر از تجار حضور داشتند و بعد از مراسم جشن و سرور انجمن تعطیل کرده و جلسه دیگر را بروز یکشنبه ۶ ربيع الاول اداخت. در این دو سه روزه تکراراًت عیدیه از طرف جناب امری صادر شده و مخصوصاً با سبب شوه در شیراز خبر دادند که اگر دست از استبداد بردارند و بخواهند در استقلال انجمن آنجا مالتی کنند بزودی از این طرف یک دست اردوسیه ملی بفرستند گسیل میشود تا دماغ از روزگارش بر آید و بعد از یک روز از شیراز خبر رسید که بمقدار آنجا هم در کف مشروطه خواهان افتاده و حکومت قانون برپا شده است. همین دو سه روزه هم در آنجا خبر رسید که جناب سردار ارفع در همراه اداره کربلا بنصرف خود در آورده بلژیکیان را اخراج فرموده اند. و نیز جناب شریتمدار به نایب الحکومه که اصعباً تلگراف کرده که باید آن بندر را ملتبان تسلیم نماید و در صدد بودند که جهاز پرسبلس را با جوقه از اردوی ملت بدان صوب گسیل دارند ولی بالنظر بتأخیر اداخته اند. رئیس انجمن ملی هم کمال مجاهده را در پیشرفت کار دارند و بی اندازه سعی و کوشش در نظم امور دستیاب مقصود میکنند ولی از طرف تجار تا کنون چندان کمک و مساعدتی به ملت خواهان نشده و آنچه که وظیفه دیانت ایشان است تا بحال نکرده اند امید که بزودی باقتضای دینداری خود از اقدامات خدا پندانه گوناگونی نوزیده حتی الامکان معاونه فرمایند.

بالفعل شهر بوشهر در کمال امنیت، خارجه و داخله مصون، و کار بکام ملتبان میباشد همه اردوی

ملی محتمل است در وقت ضرورت به پنجهزار نفر بالغ شود. روساه اردو هم زابر خضر خالت شکستای و احمد خان پسر حیدر خان و وابر فرهاد و غیره هستند و اگر چه مبان آنها از پیش به نوع عداوت و دشمنی در کار بوده اما حالا از مسامحه جناب امری میانشان صلح شده و همگی بکلام الله مجید سوگند خورده که عداوت قدیمی را کنارگذارند از دل و جان خدمت مشروطه گردند و هیچیک از ادارات دولتی نمانند که تا بحال تسام ملتبان نشده باشد اداراتی که تسام شده اند بقرار ذیل است

اداره حربیه، اداره حکومت، اداره کارگذاری
اداره تلگراف، اداره توپخانه، اداره قورخانه،
اداره پستخانه، اداره بخریه، اداره کربلا، اداره
استیفاء.

این بود ملخصی وائیات آنجا که برای مسرت قلب ملتخواهان عرض شد امید که در جریده مقدسه درج فرمایند. ایضاً خبری هست که باز هم دریابگی از طرف دولت مسلب ایران بحکومت بنامو برقرار شده و بوشهر حرکت کرده است ولی معلوم نیست که او را بگذارند این دفعه باموریت خود برسد (خبر خواه وطن ع. ی)

کیلان ۱۰ صفر

حضرت مستطاب سپه دار اعظم فرما فرمای کیلان مشغول اداره نمودن اساس عدل شجه بشبه است. ابدأ فطرت پیروزه، مجاهدین ففتاز هرروز بانزده الی بیست نفر با راخوردنهای قوی الف وارد اتولی شده از رشت سپهاندانان مخصوص بانزلی آمده با ایشان همراهی کرده و بسیار میشوند. از بل عراق الی بل منجیل موازده نقطه را سنکراهی حکم بست و در هر سنکر توپهای نه بر که عبارت از مسلسل و شراب نیل که از سستههای جدید الاختراع است و فرار نموده اند. دینامت و سیم مدین مخصوص در هر سنکری بکار برده اند. اگر دشمن از برای رشت بیاید و سنکری را بقوه تصرف نمایند. بهیچوجه جان و سلامت نمیتواند بیرون به برند. آتش زمین بهها بقوه الکتریک است. مقام و مکلف را غیر از کینه محرم ستار و استادان دیگری

واقف نیست . قبلاً آنچه فواید دولتی برای رشت حرکت باید بکنفر سالم نخواهد ماند

در هر سنگر دوست بجای نفر سربازان ملی از هر طایفه هستند همه دارای تفنگ پنج تیره جدید الا اختراع شریتمدار شربت نادر بکنفر از اهل رودبار که رهپوشی بوده پس از واقعه رشت از رودبار طلب نموده دوازده تومان خرجی راه طهران بیاوردند به پناه زیارت حضرت معصومه مشارالیه را با شکل مخصوص بطرف طهران روانه مینماید . ظناً دو کاغذ یکی بنوائف مشیرالسلطنه صدر اعظم و دیگری بطوان امیر چهارم جنگ نوشته باو میسپارد که در طهران به پسرش رسانده او بصاحبش برساند .

در ملجیل مفسدین ملی از قاصد حویا شده کجا میروید میگویید زیارت حضرت معصومه . میپرسند اهل کجا ظاهر اظهار میکنند اهل رودبار . جواب میدهند . طایفه باید دارا سیه بایت عبور باشند چه طور شده نصیب نموده اید میگویید رعینم . از تزییات مذکوره مسبق نیستیم دهانی مانا دارای این اوضاع شوند و این مقامات را سیر نمایند طول دارد . هر حال کولبارش را پانزگذاشته مفسدین جستجو نموده دو کاغذ شریتمدار پیدا می شود . شخص قاصد را با کاغذات حضور حضرت سپه دار اعظم میبرند پس از استنطاقی قاصد بطلب شریتمدار میروند . مشارالیه را حاضر کرده کاغذات را باز میکنند

نوشته بود (قربان فلان - با عریضه جات متواتره هرچه فریاد و ناله کشیدم سکه سردار منصور باعث انقلاب و اقتتاش گیلان است . بی اعتنائی فرمودند گوش براریض دعا گو ندادند تا امروز که پسران حاجی وکیل الرطای معزالسلطان و غیره سردار انظم را کشته فواید دولتی را منهدم نمودند از بستگان سردار منصور الامان اسرور کار ملخصر است بر اینکه سردار منصور را با قهوه یا بنوع دیگر تلف نمایند

پس از معدوم شدن سردار منصور انقلاب رشت تماماً خوابیده بر اساسی دولتی در طرف گیلان سکه وارد نخواهد آمد . سپه دار اعظم با جان و دل با ملت همراهی میسکند بر ملک دولت قدر قدرت ابد مدت

بشت با زده . ساسی است با دولت ابد مدت سبزی ناید و خود بلند و بیدار باشد)

پس از ملاحظه کاغذات شریتمدار - پیشقدمی نموده کار را تمام نموده یعنی مانعی بحضور سپه دار اعظم گردید بازده هزار تومان جریه و پانزده باب خانان طلی که سابق فونسلگری روس را اجازه داده بود برای انجمن ایالتی گرفتند و تا کنون شریتمدار شریتمدار نادر در حبس است

حاجی میرزا حسن رشده که با حضرت سپه دار از تنگانی ازلی آمده و رشت رفته بود در نوشته جات سردار انظم چهار کاغذ بخط حاجی میرزا حسن بطوان سردار انظم بیرون آمده تمام اعمال و افعال حضرت سپه دار را بسردار انظم راپورت میداد او را هم تحت الحفظ از سرحد ایران خارج نموده به بادکوبه فرستادند و ورود به بادکوبه خبر رسیده نیست شد

رشت منظم و هرگوه آسایش فراهم از تمام کدخدایان قراه و دهانها حضرت سپه دار اعظم نوشت گرفته که مال کسی را سرقت نمایند و اگر شد یا سارق را باید تحویل کتد یا خودشان مشوثاند باید از عهده برآیند سرفقه از گیلان برداشته شده کمال امنیت حاصل است

سه روز است در ازلی ورقه رأ سیه از مردم گرفته در صندوق معین که دو نفر پاسبان آن صندوق هستند گذاشته که سپس با کات را باز کرده بکثرت آرا انجمن ولایتی دائر و وکلا مشخص میشود

بهاالسلطنه حاکم ازلی که ملشی و پیشکار حضرت سپه دار اعظم است با کمال امانت و درستکاری مشغول رسیدگی عریض مردم با نظارت وکلای موقی انجمن ولایتی میباشد

عمید هاپونف جنیدی بود که نقاحت داشت حال اش بهتر شده کمال معاونت و همراهی را با ملت دارد تا کمرانی از تبریز با اسم حضرت سپه دار شایع شده تاریخ آن دو روز قبل است

مینویسند الخداقه با کتاب و هجده هرچه تمام تر که مشغول بجنگ بودیم دفع دشمن نموده سیصد نفر از طرف دولتیان کشته شده هفت صد نفر زخمی گردیده طالبت دفع آسیب ملتبان گردید . امضا ستار

همه روزها تلگرافات استظهان تبریز بر صحت می رسد

ده روز است که دکانین طهران بسته تمام مردم
بشاهزاده عبدالعظیم و سفارت عثمانی بناهند. شده اند
احکام دولتی هم سخت است. ولی کسی از ترس دکان
خود را نمیتواند باز نماید. باز نمودن دکان همان و برب
رسیدن به دکاندار همان. مردم مجبوراً دکانین را بسته
با بناهندگان ملحق می شوند.

عجالتاً از برای اهل طهران کار سخت و دشوار
است تا بعد چو شود. سردار مظفر از قزوین روانه
شده برای رشت. با اکراد و عشایر آن صفحات بسبب
هر چه تا ممتحر حرکت میکرد. از قوای ملحق رشت
باخبر شده سخت گردیده است. هنوز تلاق روی
نداده فرار را برقرار اختیار نمودند. روز نامه نسیم
شمال هفته دوبار طبع و توزیع میگردد.

هم انجمن ولایتی انزلی تشکیل و مرکب است
از وکلایک بموجب نظامنامه اخبارات منتخب شدند.
حاجی عبدالرزاق و توفیق التجار. آقا حسین فریدان الی.
حاجی آقای رضا زاده. حاجی میر محمد شفیع. میرزا
کاظم خان رئیس کربک خروجی - نیکران مسیحی.
اطم حبه. اسماعیل همزی. کربلای حسن قالیان.
آقا میرزا کاظم خان استغفا داده میگردد مشقه حلیه ام
طابع از وکالت است. بقیه نشست در انجمن ولایتی کار
میکشکنند. چندی تبریز در محاصره بود بموجب
تلفکرات سردار و سالار آسوده گردید. تلفکرات
بموجب ذیل است

رشت - خدمت حضرت اجل آقای سپهدار اعظم
والی گیلان دامت شوکت - بشکرانه تأییدات ایزدی
همه موطنان هنوز جشن قلبی نموده و تبریک فرمان
روانی حق پنداره طی را مینمایم. امضا سردار و سالار
ایضاً - از تبریز که به مفاد آن قالب شدن مجاهدین.
گفته از بسکه فزون است از طرف دولتیان نمیتوانند
نشی ها را از زمین بردارند.

هنوز هم خبر میرسد اردوئی از طهران میخواهد حرکت
نماید و باردوی سردار مظفر پیوسته شود. دکانین
طهران هنوز باز نشده. آنچه به تحقیق پیوسته با
ملت رشت خلیل هم خیال هستند. دیروز پست پنج نفر
از مجاهدین عبور قفقاز که از باد کوبه بایران می آمدند
در آستارای روس هم را کنار رده اجازه دخول و

ایرانی را نداده. الساعه خبر رسیده از آستارای روس
از راه بیراهه آستارای ایران آمده اند.

رشید الملک از طرف عبدالعظیم با ششصد نفر حاکم
اردبیل شده مابین تبریز و گیلان یک نقطه اردبیل
است که حائل میباشد. امید است بزودی زود آن نقطه
هم خورده و موجب آسایش ملت به سر. نهایت
امنیت در گیلان موجود است هر چه از امنیت این
سماوات شویسم مالار از آن را تصور فرمائید. الحقی
والاصاف حضرت سپهدار اعظم فرمانفرمای گیلان
نهایت همراهی و مهربانی را با ملت محیب دارد.

واقعات اوزبیه و هشتر از محال کرمان

۸ صفر عدل السطاط با (۶۰۰) نفر غلام و
سرباز و توپ از جیرفت مراجعت بدولت آباد سکه
اول خاگ اوزبیه میباشد نموده و مطالبه مالیات دو سه
کرده چون ملکیت دولت آباد راسخ به خوانین احمدی
میشد حاضر نبودند دو سر قاطر و یک واس الاغ
بود برداشته آمدند قادر آباد. در آنجا ۶ یوم توقف نموده
خرابی زیادی به محصول رسانیده مالیات و اهم بعضی قد
و بعضی سند ده روزه گرفته و روانه طرف سلطان
آباد شدند. آقا فتحعلی کرمانی (لوم و صندوق دار عدل
السلطان) در سلطان آباد بود از ۴ ماه قبل با سرباز
نالت و زخمی بود. بمجرد حرکت عدل السطاط از
قادر آباد جیرفتی نادر حضرت مستطاب آقای حاجی سید
عبدالحسین مجتهد سرکردگی جناب شیخ ابوالحسن برادر شیخ
ذکریا و علی خان احمدی و آقا علی رضا طارمی قریب (۵۰۰)
نفر سوار و پیاده شب و روز سلطان آباد شده آقا فتحعلی
را با تمام سربازها اسیر نمودند. آنچه مالبه از عدل
السلطان و سرباز بود بنارت بردند سربازها را تحت
و همیان مرخص نموده آقا فتحعلی را آماج کردند.
از اینطرف هم سلاطین و خوانین افشار سکه سابق
با اردوی ملی معاهده داشتند آمدند رو نمود عدل
السلطان و اردوی دولتی عدل السطاط نیز خبر شده
در کوه پهلوی همود آباد رفته سنگر بسته توپ سوار
نموده تهیه جنگ دیدند و اطمینان اینکه سلاطین و
خوانین افشار مدد مینمایند. ایلات افشار که این قسم
ملاحظه کردند خیال نموده که در دعوا خون ریزی
میشود حبه انگیزخته مرضی قلی سلطان سرملنگ و

احمد علی خان سولت الملك و محمد رفیع خان و میرزا خان سرتیب میروند نزد عدل السلطان و اظهار می دانند که اردوی مات زیاد است و اتصالاً مدد بآنها میرسد. افشار هم اطاعت ما می کند صلاح آنست که با اردو روانه بآفت شده تا زم کرمان شوند. عدل السلطان نیز قبول نموده حرکت مینماید و این چند نفر را نیز همراه می رود که از ده سرد او را بگنجانند. قریب (شاه ناران) از رویه دو ساعت بهروب مانده محمدخان پسر مرتضی قلی سلطان سرخنگ فنکی به روسیه عدل السلطان خالی مینماید کله به ران عدل السلطان خورده از یال اسپ بیرون می رود مرد و مرکب می خنجد. بگن اینک کشته شده اردو شکست خورده فرار می کند و سواره افشار با قنچلی خان ایل بی افشار نیز میروند و هرچه اموال عدل السلطان بوده طوت مینماید. چهار نفر سرار نیز محروم میشود. خود عدل السلطان در تاریکی شب با ۵۷ نفر روانه شده تا صبح خورده به (دشت آب) می رسد و از آنجا روانه کرمان میشود. سلاطین و خوانین افشار نیز آمده اند در سلطان آباد نزد جناب شیخ ابوالحسن و ایشان هم بیک قبضه فنک آلمان پنج تیره به محمد خان عام و مرحمت می میکنند و تمام خوانین و سلاطین افشار (سرلر دگار و کلا نقران دو طاغی افشار مشهور به سلطان میباشند) تمام با اردوی مات هم عهد شده گفتگوی قابون در اردوی بلند گردیده و اردوی ملی مساحت فارس نمود و با وجود این همه آشوب و اغتشاش و حمیت یک دینار رمالیه مات تلف نشد کسوف هم بحال اردوی خلی منظم و تمام در حافظان حاضرند. مدتی که کان امیت و انتظام حاصل است و میدانم فصل خداوند که بعد از هم سبب آردگی بدگان خدا فرام آید

برچند ۲۱ صفر

(وقایع نگار ما)

تذکره ایمن ایالتی خراسان

(۱۵ صفر ۱۳۲۷)

توسط جناب مستطاب آقای حاجی شیخ محمد باقر جازاری معوم مات قایمات -

مدنی بود انجمن ایالتی خراسان در عهد تعطیل بود. الیوم بحمد الله تعالی تصویب حجج اسلام و وجوه اعیان مملکت انجمن ایالتی کافی السابق منقذ و اعضاء در کمال اهتمام خدمت گذاری مات جان فشاند. البته آقایان عظام و هموم اهالی بر وظیفه مشروطیت و حفظ حقوق مات و توفیق مالیات رفتار خواهند فرمود (انجمن ایالتی خراسان)

بعد از وصول این تذکره جناب حاجی شیخ محمد باقر در مسجد رایس مردم قرائت کرده سپس به نظر امیر حسام الدوله حکمران رسانیدند ولی هر چه در این خصوص سؤال و جواب شده بود در پرده استار و چیزی مردم مفهوم نشد

روز بعد در گوشه و کنار جزایر حکومت شهرت دادند که هر کس اسم مشروطه را برد بر حسب حکم طهران حبس و زنجیر خواهند شد. و دورور بعد از آن تذکره ای را آورده در روی میز برای مردم خواندند که اعضاء آن از جناب صدر اعظم و مبنی ر استقلال حکومت سال جدید. اخذ مالیات و خطاب به حسام الدوله بود و تا درجه خیال مشروطه و تشکیل انجمن و ز سر مردم بیرون لردد و بعد از این هم خلعت رایس جناب حاجی شیخ محمد باقر فرستاده او را همراه خود امیدوار نمودند. جناب حاجی شیخ هم روی رفع اعتراض مردم بمسافرت جازار که از جندی قبل مصمم بودند تشریف فرما شدند و همین دو فقره معروضه تمام آبها از آسیا افتاده و به قسمی مردم ساکت و صامت شدند که گویا تماماً بخواب برگ درید. با اینکه ای حسی و بی غیرت اهالی قاضیات انظر من الشمس است معذک انصافاً ندردی هم - حق بحاج بشان است. چرا که اولاً از ده هر یک نفر واقف به مفصیلات زمان پست و علاوه از حکامات صحیح اسلامی اطلاع ندارد و آن کسانی هم که اطلاع دارند از ترس مستبدین بی دین جرأت اظهار ندارند ثانیاً بجهدن و ماطقین و واعظین این ولایت هم هر یک رای حفظ مقامات و شئون خود و خوف از بیرون رفتن املاکات موقوفه از بد شان بکلی ساکت اند ثالثاً خود حسام الدوله که حکمران است و توجه هموم رعیت بطرف او معطوف است بقاء خود را

✽ اخبارات تلگرافی خارجه ✽

خبرات لندن و (ویاه) تلگرافاً جاری و امید است نتیجه نیک بخشد. ولی دولتین انگلیس و فرانس مسلک دولت روس را اختیار نخواهد کرد، یعنی پیش از آنکه نتیجه کانفرس دول ظاهر شود الحاق (بوسینیا و هرزیگووینا) را نتوانند پذیرفت

✽ روزنامهجات پترزبرگ متأسفند از اینکه دولت روس اغراض پلنکی را بجهت ملحق شدن از رای خود از دست داد، و در (بالکان) احترام دولت روس با خلای یکسان شد

✽ از قبول استعفای (پرس بولو) انکار شده است
✽ خبر (روتر) از (بلگرید) خبر میدهد که (سرویا) بموجب رأی دول رفتار خواهد نمود و تصفیه کامل مناقشات تا اواخر همین ماه خواهد شد

✽ تلگرافی از (بلگرید) رسیده که مجلس شورای (سرویا) بدون بحث خلع و لیبس را قبول و پرس (الکزندر) را به ولیعهدی اعلان نمود

✽ جرارد پترزبرگ با کمال ملال و مسأله سیاسی دولت روس مقالات سخت می نویسد، افواه است که (مسبو اسوالسکی) وزیر خارجه روس استعفا خواهد داد و (مسبو زاریکوف) نائب وزیر خارجه سنده وی ملصوب خواهد شد، روزنامهجات (سرویا) هم برنج اندرند و دولت روس را ملامت میکنند

✽ (مسبو لیانچیف) وزیر تجارت (بلغاریا) فرما بسمت اسلامبول رهسپار خواهد شد غالباً برای انتظام و فیصله باقی مسائل غیر منعه و مخصوصاً درباره مسئله خساره راه آهن (اورتیل) است

✽ بسبب حملات اعراب جهازات (لج ورادران) ذهاب و ایاب دجهت بشدادرا تعطیل نموده اعراب بر یک جهاز ترکی هم تابلک و بسیاری را هلاک کرده اند

✽ موج خبری مسکه از (ویاه) رسیده دولت (آستریا) مضمون خط (سر ادورد گری) وزیر خارجه انگلستان را در جواب خط (سرویا) قبول نموده، غالباً سایر دول اروپا نیز همین مضمون جواب (سرویا) را خواهند نوشت، این امر به ثبوت پیوسته که جمیع دول اروپا الحاق بوسینیا و هرزیگووینا را خواهند پذیرفت

✽ اگرچه طامه را خیال این است که تصفیه مسئله (بالکان) فتح بین است برای دولتین (آستریا و آلمان) ولی جلوگیری جنگ در (بالکان) از مسامی جنبه (سر ادورد گری) صورت بست، (سر

بسته به بقای اداره استبداد میداد و ابداً اسی از مشروطه نمیرند، اگر گاهی هم سؤالی از ایشان بشود جوابشان این است که مشروطه اگر همان مشروطه سابق است که در طهران ملاحظه کرده ایم خلاف شرح و باعث خرابی مملکت است (چرا که حکومت ظالمانه مرا امضا نداشته) ولی اگر مشروطه مشروعه شیخ فضل الله است در همراهی حاضریم (چه شیخ واسطه حکومت من بود) بالجمله این مختصر که عرض شد وضع مردم قاننات و طریقه رفتار آنهاست، و برای بنده یقین کامل حاصل است که اگر ده سال هم بر این مردم بگذرد اینها کسان نیستند که بخودی خود اقدام به کاری بکنند، مگر دستی از غیب بیرون آید و کاری بکند

همین که انجمن مقدس ایالتی خراسان ن حسنی و نبلی مردم و عدم مساعدت حسام الدوله حکمران را ملاحظه نمود مجدداً تلگراف دیل را بخاربه فرمودند

✽ ایضاً تلگراف انجمن ایالتی خراسان ✽

﴿ ۲۷ صفر ۱۳۲۷ ﴾

پیرخند - جنابان مستطابان حاجی شیخ محمد هادی و حاجی شیخ محمد باقر دامت برکاتهما - از قرار مذکور در پیرخند انعقاد انجمن شده و حکومت آنجا طامع از تشکیک است، بوصول این تلگراف فوراً منتخبین سابق را حاضر و این تلگراف را به تمام اهالی ارائه بدهید و انجمن ولایتی را تشکیل داده بوظائف لازمه مشغول اصلاحات امورات بشوید، و طالبات را توقیف مآئید، چنانچه حکومت مساعدت لازمه و همراهی و اطاعت انجمن و توقیف طالبات نمودن آنها و الا فوراً اطلاع بدهید تکلیف اورا معلوم نمائیم (انجمن ایالتی خراسان)

حاجی شیخ محمد باقر که تشریف نداشت جناب مستطاب حاجی شیخ محمد هادی مجتهد تلگراف را از نظر حسام الدوله گذراندید، رسماً جواب خواست - حسام الدوله بعد از مشوره و کننگاش جواب داد من هم حاضریم ولی جناب حاجی شیخ محمد هادی باین جواب نو خالی قانع نشده عملاً همراهی در تشکیل انجمن و انتخاب وکلا را از ایشان خواست، تا کنون جوابی نرسیده هر وقت برسد بروزنامه مقدسه خواهم رسانید، عقیده بنده اینست با استبدادیکه حسام الدوله دارد و اظهار ارادتی که بدولت میکند و بقول خودش در انهام مجلس مقدس ایشان هم دست داشته مشکل است حکومت وی انجمن ولایتی در قاننات تشکیل و مشروطیت نفع گیرد -

اهوردگری) زنده امر بر این عقیده راسخ بود که فیصله مذاکرات دولتی (آستریا و سرویا) قبل از قبول الحاق (بوسینیا و هرزیگووینیا) باید بشود. دولت فرانس هم بر این عقیده متفق است دولتی (آستریا و سرویا) الحاق مقامات مذکوره را آماده اند بدین شرط که (آستریا) ابقان نماید که حاکم بر (سرویا) نخواهد کرد، و منکر از ترمیم فصل (۲۹) عهدنامه (برلن) نخواهد شد

باینده انگلیس مقیم (تلگریف) مسوده خطی را بدولت (سرویا) تقدیم نموده که (سرویا) به (آستریا) نویسد امروز در شورای ملی انگلستان (ارل ورتزلی) سؤال بود که آیا دولت انگلیس دولت چین در مسئله (منچوریا) مدد خواهد کرد؟ (سرادوردگری) دربر خارجه انگلستان جواب داد که چنین کاری نمیکند که دولت انگلیس در این باره مداخلت نماید

دو نفر از بایندهگان (بلغار) برای اتصال بقیه مسائل غیر منصفه وارد اسلامبول شدند

تلگریف از (پتسبرگ) رسیده که مجلس (روما) برای تعمیر جہازات جنگی استقراض جدید را منظور نمود

صیحت دول اروپا را وزارت (سرویا) پذیرفت امروز خط (سرویا) بموجب آراء دول در (ویانا) پیش خواهد شد هموم مالی از این خبر خوشحال اند

در رؤم این خبر انتشار یافته که دولت (آستریا) حسب الزام دولت (ایتالیا) بر این امر رضا داده که فصل ۲۹ عهدنامه برلن که تعلق به (ماتی نگر) دارد مشروط بشرطی ترمیم شود که (ماتی نگر) قیام در اتحاد آستریا را حسب الصلاح دول اروپا به پذیرد

کمی بودجه انگلستان ۱۲ یا ۱۳ میلیون پوند تصور می شود

(جنرال سرادمور اریک) بمسئله سپسالاری صاگر هند منصوب گردید

باینده فرانس مقیم (ادیس ایبیا) حبش - پادشاه (منلیک) را اطلاع داد که دولت فرانس مسوده قانون راه آهن (جیتل الادیس ایبیا) را امضا نمود. پادشاه در جواب نوشته که سبب تکمیل نیافتن شروط منسوخ نموده است

حربه (الجباب زیتک) در برلن می نویسد که دولت روس الحاق (بوسینیا و هرزیگووینیا) را که می پذیرد نه از تهدید دولت آلمان است، چه دولت آلمان بی هیچ وجه تهدیدی به نموده فقط دول اروپا را به منظوری الحاق بوسینیا رأی داده است

خبری که از پاریس رسیده ظاهر میدارد که شورای

ملی مسوده راه آهن (جیتل الادیس) را منظور نموده - (سیویشیون) اظهار داشت که با ترجم پادشاه حبش اتفاق نموده و پادشاه را از تدارکات راه آهن گشتی حاصل شده از بی رو خبر داده شده که نسخ شده - از این امر صرف نظر باید کرد -

شورای دول اروپا که در خصوص قرض دادن به دولت چین در پاریس منعقد شده بود باین به مقصود نگردید باسکانت دولتی انگلیس و فرانس از قرض دادن انکار نمودند چه باینده دولت آلمان و وکیل (دیج اشباتک سیک) تدارک قرض را بیرون از شرایطی که در عهدنامه بود خواستگار بودند (این عهدنامه بست که انگلیس - فرانس - و آلمان قبل از شوری مضا نموده بودند و در آن بند (بسی) را در صحت وجه قرض قرار داده اند)

تلگریف از پاریس رسیده که مظلون است دولتی انگلیس و فرانس رضا دهند که فصل (۲۵) عهدنامه (برلن) را که در خصوص (بوسینیا) منسوخ گردد دولت روس امضا کنندگان دول را بر عهدنامه برلن نبریک نموده که فصل (۲۹) عهدنامه (برلن) که بموجب آن دولت (آستریا) را حقوق چند حاصل است منسوخ شود. روزنامه (فریدر بلات) را عقیده این است که این مسئله بهین سوال عملاً قریب اتصال خواهد یافت -

خبر (روتز) از (ادیس ایبیا) خبر میدهد که اگرچه (سیویشیون) منکر است ولی شک نیست که پادشاه (منلیک) به کتبه و دولت فرانس اجزای داده بود که امتیاز تعمیر راه آهن را صریحاً منسوخ نموده است

خبری از (واشنگتن) رسیده که کبسیون قانون کرک بسیاری از ترمیمات را عریض نموده که یکی از آن ها نسخ کرک جای است -

محاسن شورای ملی (رسول و آرج رپور کلون) قانون اتحاد را امضا داشتند

بطریق رسمی (در پتسبرگ) اعلان شده که دولت آلمان بدولت روس هیچ قسم تهدید نموده بلکه از پیروی دولت روس بنابر مصالحت دوستی دولت آلمان اسداد و جلوگیری از جنگ بین (آستریا) و (سرویا) را نمود

خبر (رونز) را خبر موتی رسیده که غنشی در ساحل دجه بغداد حایل خطرناک است. سیم تلگراف بین بغداد و بصره را قطع نموده اند

خبر (رونز) از (سدن) خبر میدهد که تاریخ ۲۹ مارچ در (یوهیویدیس) طوفان شدیدی شده (متکرمه)

از فرط سبلاب خرق و ادارات حکومتی و مزارع و نقصان زیاد رسیده جهازات بسیار نیز خرق شده است

در (سینتی) زبان زد هموم است که دول اروپا بر ترمیم فصل (۲۹) عهد نامه (بران) رضا داده ، از اینرو حکومت (موتی نگر) محدود خواهد شد و برای همین است که (موتی نگر) بر این امر راضی نیست

شورای ملی عثمانی بعد از ده ساعت بحث سخت مسوده عهد نامه بین (آستریا) و عثمانی را منظور نمود

امشب در مجلس شورای ملی انگلستان (سر ادورده کری) وزیر خارجه انگلیس اظهار داشت که من نمیتوانم بگویم که در مسئله (بالکان) کانفرانس دول خواهد شد یا نه ، من امید دارم که در عهد نامه (بران) زمینای که می شود با مضامین دول رسیده رفع مناقش بشود

(مستر روزیولت) رئیس جمهور سابق امریکا وارد (مبیلیا) شد امپراطور و امپراطریس (ایتالیا) استقبال وی حاضر بودند

اعضای پارلمان انگلیس در بحث مسئله قوای بحری از مطلع شدن این خبر که در (بران) منتشر شده که (آستریا و هنگری) بتجهیل تدارک کسیر سه فروند جهاز (دریدات) نموده پیشتر از پیشتر مشغول داشته است

حکومت (ماتی نگر) تصفیه دول اروپا را درباره الحاق (بوسنیا و هرزیگوینیا) منظور نموده و بر تغییر و تبدیل حقوق او دول اروپا بحریکی را کرده راضی شده است

توفیق پاشا سفارت دولت عثمانی در لندن منتخب شد

تلگرافی از اسلامبول رسیده که (حسن فیضی) با فهی) مدیر روزنامه (سریستی) نصف شب باخانق افسران حکومتی با اداره خود میرک ناگهان قتلش رسانیدند و افسران حکومتی که اسمش (شاکر) است نیز مجروح شده ، قاتل فرار نموده تاکنون نشانی از وی بظهور نرسیده ، روزنامه (سریستی) برخلاف کبته اتحاد و ترقی بوده است

در شورای ملی انگلستان (سر ادورده کری) در جواب (مستر ولسن) اظهار داشت که مسوده منشوری نوشته شده بموجب آن در (زنکیار و پیماسه) مثل افریقای شرقی حکم برده فروشی داده خواهد شد ،

این فرمان مسجلاً احری خواهد یافت

(مستر فنت) رئیس جمهوری امریکا (سلیتر فلتن) را بسفارت امریکا در (یکن) مقرر نمود

مجلس شورای ملی امریکا ترمیمات مسوده قانون گمرک را منظور نمود و گمرک چای را منسوخ و بر گمرک قهوه یک حصه تخفیف داد

حکومت (آرینداد) را حکم شده که در آنجا اجازه ورود به (بریسیدلی کاسترو) داده نشود ، (کاسترو) دلگیر شد در (مارتی نیکیو) وارد شد

تلگرافی از اسلامبول رسیده که قتل (حسن فیضی) مورث رنجش خاطر هموم شده ، گویا این قتل را قصور بر آزادی نامه پنداشتند رئیس الوزرا تدارک این قتل را بسختی می باید

واقعه غیر متوقبه بوشهر

(پنج تاوردن به از ده روزه افکندن جلین)

طلب ایرانیان خارجه و داخله را عقیده این بود که بواسطه سرحدیت و مخالفت با خارجه اعلی بوشهر در عقل و تجربه و اصول تمدن و اداره گردانی مزیت بر سایر ایرانیان داخله دارند ، فقط چیزی که هست ملیح اغراض شخصی و مرکز فاق است ، و این نیز بواسطه چند فقر ریاست خواه پست باه و مایه میباید

اینک که محاکم تجربه ایمان آمد مطوم گردید که چشم بد دور آنچه از تمدن و سیاست و عقل و تجربه در حق آنان تصور می شد همه موهوم بوده ، شاهانه هر قدر ترقی کرده اند در فساد ، خود فرضی ، و داخل صدر است

بوشهریان آخرین مردمانی اند که بیرق حریت خوبی در ایران بالند نمودند ، چقدر مایه شرمساری است که هنوز نطفه حریت منعقد نشده میخواهند جلین انداخت و دست اجانب را بداخله مواز نمودند

چون هنوز موقع آن نرسیده که کیفیت واقعه از وقایع نگاران ما برسد و کشف حقیقت شود بهمان تلگرافات واضح قناعت نموده سرسری عقیده خود را مبتکاریم

(هشتم اپریل شانزدهم ربيع الاول)

روزی از بوشهر خبر میدهد که در روز در شهر انقلاب زیادی برپا گردید تنگناها که برایش

تأیید ملت از خارج بشهر جلب شده بودند چنددکان را قارت نموده . که در آن دکان امتعه تجار انگلیس هم بوده است . بازار بند و کارها ملتوی است

(دهم اپریل هجدهم ربيع الاول)

مخبر روتر از بوشهر خبر میدهد که بسبب بر قانون و بی انتظامی شهر و قارت برخی دکان دست از قشون بحری انگلیس از جهاز (قاکس) بساحله آمده که حفاظت نمایند خارجه را - تنگستانیها از شهر بیرون میروند

(یازدهم اپریل نوزدهم ربيع الاول)

جنرال قونسل انگلیس مقیم بوشهر اعلانی اشاعه داده است که بواسطه نبودن حاکم مستقلی که بتواند تنگستانیها را براه راست بیاورد دسته از قشون بحری را در بوشهر بجا آورده که محافظه خارجیان را به نمایند . بجزریدک امنیت برقرار شد این دسته از شهر بیرون خواهند رفت

جبل المثلی

این بود ترجمه تلکرافات ، ولی قارت مال خارجه را هرگز نمیتوانیم تصدیق کنیم چه درسه سال انقلاب ایران تمام ملتیان هماره در حفظ مال و جان و پای خارجه کوشیده ، بوشهریان ازین نکته اهم خمض عین نموده باشند ، بر فرض هم که چنددکان ملت بوشهر قارت و در آن دکانها مال خارجه هم بود این جزئی واقعه نباید باعث ازدیاد محافظین قونسلخانه شود ، بقیده ما این حرکت مبنی بر دوه اصل تواند بود

(۶) جواب روس در رشت سکه بر محافظین قونسلخانه خود افزودند ، چون ملتیان چنانچه شاید و باید جلوگیری نکرده و بقسی سکه خارجه مطهرش شوند دمه دار حفاظت جان و مال آنها نگردیده و فوری پروتست رسمی در عدم ضرورت مزید مستحفظین نه نمودند ، انگلیس هم محض اینکه (کهرش م از کبود) نماید چنین نمود ، و بر مدت و دولت ایران طاهر داشت که همان نقشه رقابت صدساله بین ما و روس باقی است ، نهایت سابق یا معاندت بود ، حالا معاضدت است ، ملت و دولت ایران هرگونه تمکین از اجتهادات و زیادتی روس نمایند باید از انگلیس هم بکند

(۷) این مسئله را که مینگاریم ظنی ولی خیلی قرین بقیاس معلوم می شود ، که حرکت تنگستانیها مستبدینی بوده اند که اینک از طرف احرار شیلی و با بزید گردیده و اشاره از دولت بوده است که مرتکب چنین حرکت شد و برای مرهوب داشتن اهالی جنوب از دخالت خارجه چنانچه بکرات دو شمال متوسل بدخالت روس

گردیدند درین جامه که بهانه بدست داده متوسل بدولت انگلیس شده که محض مرعوبیت ملت دخالت نماید قسماً که در ماده طادات گمرک هم قیناً دولتیان از سفیر انگلیس چنین خواهش نموده بودند ، ورنه ضمانت رسمی تا روزی که مجلس شورای ملی را منهدم نمودند گمرکات خلیج فارس از قروض دستگردانی بنگ انگلیس نداشت دولتها خواهشی کرده آنها هم اقدامی نمودند

ولی این حرکت برای دولت انگلیس بهر جهت که ملاحظه شود پسندیده نیست

اول آنکه سر ادورد گری هل الرؤس بکرات در پارلمان انکار ازین گونه مداخلت ها داشته ، مسلم است که این حرکت برای مسلک پارلمان امروزه انگلیس زیبا بشمار نمی آید

دوم این حرکت ظاهر میدارد که هر يك از انگلیس و روس در صدد بهانه مداخلت اند و این نکته رفنوذ انگلیس مآلاً در ایران زیان تواند رسانید سوم ایرانیها حرکات مأمورین روس را از اول مؤید مستبدین میگفتند ، و بهمین قدر مسرور از انگلیس بودند که مؤید مستبدین نیست ، حالا خوف آن میروند که اگر این عقیده از قلوب عامه سلب شود و جداً متوجه به بزرگترین رقبای انگلیس یعنی آلمان شوند

علاوه بر این این حرکت خود بالاساله میتواند اسباب يك انقلاب عظیم شود ، و مایه جوش و خروش همی گردد ، اگر چه مزید مستحفظین يك قونسلخانه چندان اهمیت ندارد ولی ملتیانرا از اقدامات خود دل سرد می نماید

با این همه میگویم ملت ایران چنین اقدامی را ولو بحق هم بود از دولت حریت پرور انگلیس متوقع نبودند و این جزئی ظلمه که در جنب انقلابات سیاسی يك مملکت هیچ وقتی ندارد بجز ازین اصول هم رفع میتوانست شد ما امیدواریم که هلاهی اعلام و اعضای محترم انجمن ولایتی بوشهر و سایر ارباب حل و عقد و تجار و اصیان غایق و خود خصمی دیرینه را از خود دور و ماحلاً رفع این غائله را نموده اطمینان بحفاظت مال و جان رعایای خارجه کاملاً داده و عدم ضرورت مستحفظین خارجی را ثابت نمایند ، و نگذارند تنگ و لیاقتی تاریخی تا در باز روی اهالی بوشهر برقرار ماند

و ما از طرف طامه عدالت خواهان ایران ار مأمورین انگلیس در خلیج فارس استدعای مایم که حسن توجه ملت نجیب ایران را از دولت و ملت انگلیس زائل نخواستند دوستانه این گونه واقعات جزئی را رفع نموده فوری بزرگ نه نمایند

« جبل اللین کلکتہ »
مدیکل کالج استریت نمبر ۴

« وکلا ذمه دار اونجات مشترکین اند »
بدل اوتة اخبار پزشکی گرفته میشود

« قیمت اشتراک »
سالانه — — شش ماهه

Habib Main Office
MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

الملتیک

سنه ۱۳۱۱

(مراسلات خصوصی بدون امضای معروف)
(اداره درج نمیشود)

« کلیه امور اداره با »
مدیر کل مؤید الاسلام است
هر دو شنبه طبع
و سه شنبه توزیع میشود
« یوم دوشنبه »
۲۷ ربیع الاول ۱۳۲۷ هجری
« مصادف با »
۱۹ اپریل ۱۹۰۹ میلادی

« هند و برمه »
۱۲ روپیه — — ۷ روپیه
« ایران و افغانستان »
۲۰ قران — — ۲۵ قران
« عثمانی و مصر »
۵ مجیدی — — ۳ مجیدی
« اروپا و چین »
۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک
« روس و ترکستان »
۱۰ منات — ۶ منات

« در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود »
(مقالات عام المنعمه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

« انقلابات عثمانی »

(یا سرخانی مستبدین)

این مسئله ظاهر بود که با آن سهولت فوق التصور که مستبدین عثمانی مشروطیت نسیم شدند از بروز قوتی بود که جوانان فیورنزه هفتاً عنصه شهود آوردند، چون نسیم مستبدین از روی طوع و رغبت نبود دانایان رموز را اعتماد به پیشرفت مشروطیت عثمانی این امنیت میرفت، و اگر بدقت ملاحظه شود همینکه مستبدین تا درجه ملت را از آن شور و خروش به نسیم ظاهری، دستبرد کردند در خفیه کارشکنی های چند نمودند (چنانچه در ایران)

اینک شش ماه پیش نیست که مشروطه عثمانی قائم شده، سه هیئت وزرا تبدیل یافته، و چند نفر از ایشان هم قتل رسیدند، و واقعه نیک بری مخالفت میداد بکرات از طرفداران اصول سابقه دیده می شد، تا اینکه تدریجاً کینه پستانان اطیطاقی مال و جان خود حاصل کرده جداً بنای کار شکنی را گذاردند، و سرآ برخی الزامات بوج جوانان ترکی و اعضای انجمن اتحاد و ترقی که مرکز آن در (سلاسیک) و شاخه اش در اسلامبول و سایر بلاد بود وارد آورده طبقه از ساده لوحان ملت را ظاهراً طرف دار خیالات خود ساختند.

تا اینکه از چند هفته قبل مخالفت زبان شان با جوانان ترك و اعضای کبته اتحاد و ترقی عانی شد و برخی

جرائد را هم طرفدار خیالات خود ساخت مردم را بحلاف مؤسین مشروطیت بر می انگیزفتند جوانان ترك که کار را بدین منوال دیده و از خیالات فاسده مستبدین واقف گردیدند بروگرام جدیدی در اصلاحات لازمه و استعکام اساس پیش نموده و حدا تبدیل کاپنه را خواسته آوقت مقضی المرام گردیدند، وزیر اعظم و وزیر جنگ و رئیس مجلس بحسب مبل کبته اتحاد و ترقی مقرر شد، مستبدین ظاهر، شروطه خواه اگر چه درین مخالفت اخیر هم شکست یافتند، ولی نظر باستبدادیکه در برده دیده بودد قوتشان زائل نگردیده باز جدا مشغول بکار شدند، ایندفعه از مستبدین ایران سرمتقی گرفته مشروعه بازی آغازیده خواستند شریعت را اسباب پیشرفت مقاصد خود قرار دهند و برای تبدیل خیالات مل برخی جرائد که بهترین آنها (سربسق) بود به تبدیل خیالات ملت بر انگیزخته آنها نیز قلم بحالفت کبته اتحاد و ترقی که مؤسس مشروطیت و نمای مشروطه عثمانی را دار مدار است، بحولان آوردند، چنانچه بحسب تلگراف هفته گذشته بحس فیهی مدبر (سربسق) کشته شد، و قاتل هم بدست نیامد، مدعیان این قتل را از طرف کبته بنداشته سربسقا نکار روانی مشغول و دو بتالین قشون که افسران تمام جوانان ترك بود افسران خود را خارج کرده بریاست یکی از سلطانهای قومی پارلمان را محاصره نموده و هنوز رئیس پارلمان و صدراعظم و وزیر جنگ و

اخراج وکلای پارلمان از ژون ترکها که از اعضای کتبه اتحاد و ترقی بودند خراسته و خواستی نمودند قوانین که مرتب شود باید برطبق احکام شرع باشد و از آنجا هجوم آورده انجمن اتحاد و ترقی که در اسلامبول بود طراب کرده وزیر عدلیه را مقتول و وزیر جنگ را محبوس ساخته کلاب زبان و ویران و حتی از جوانان ترک را مقتول و بسیاری را نیز مجروح نمودند.

فورا در پارلمان فرمان سلطانی که قبل از وقت نوشته شده بود قرائت که استعفاى وزیر قبول و عفو هموی به باغبان قشون داده شد قشون بجانب یلدر رفت اظهار تشکر از سلطان نموده سلطان آنها را بخطاب فرزند مخاطب ساخته حکم معاودت همکیشان شد، ملاحان بحری بر حاکم جوانان ترک برخی اقدامات کرده و کیتان یک کروزار که توب بجانب یلدر راست نموده بود گرفته بدون استنطاق و سؤال و جواب بقتل رسانیدند.

اهم پاشا که کاندان قشون جزیره کریت بود بوزارت جنگ منتخب و نوبیق پاشا وزیر اعظم و ناظم پاشا سرعسکر کل قشون گردید (ناظم پاشا سابق سرعسکر اردو دوم عثمانی بود و خلیل بیروز ایالت داد در کابینه کامل پاشا وقتی خواستند او را وزیر جنگ سازند هباهوی زیاد از احرار بلند شد) ناظم پاشا مأمور است که قشون را با اختیار و اطاعت آورد ولی قسمی که مستبدین میخواهند دشوار بلکه محال است این خدمت را انجام تواند داد.

سلطان ملت اطمینان میدهد که مشروطیت را قائم خواهد گذارد، جنازه مدیر (سریقی) را در مقبره شاه با اجازه مخصوص سلطان دفن نمودند و نیز امر شده که مستحقین یلدر را که کتبه اتحاد و ترقی منتشر نموده بود دوباره بخدمت اولیه خود باز آورد و این بالا زین دلیل است که مستبدین در صدد عود اصول اولیه اند.

این اخبار که به کتبه مرکزی سلاویک رسید جوانان ترک برآشفته با اردوی روم عثمانی در (اداره) غنایه کرده اردوی سوم را حرکت بجانب اسلامبول داده وزارت کنونی را رد و اجرای همان پروگرام اولیه را فوری خواستگار شده اند، چون ارامنه در مشروطیت عثمانی (چنانچه در مشروطیت ایران) با جوانان ترک متحد بوده و خلیل کک نموده اند در (مرسینا) و (ادانا) و سایر بلاد آسیای کوچک اسباب قارشان را با مسلمانان فراهم نموده و هزاران نفوس را بقتل آورده اند در اسلامبول هر یک از جوانان ترک را که بدست آورند بقتل میرسانند و جمیع

ادارات جرائدیکه راجع بجوانان ترک بوده همه را منهدم نموده اند، و حسن زاهد را که یکی از وکلای ملی و از اعضای کتبه اتحاد و ترقی بود مقتول ساختند.

اورس - و حتی ی - که رئیس کتبه اتحاد و ترقی سلاویک اند از ویانه و برلین عاجلاً خود را بسلاویک رسانیدند، ملت و قشون را اطمینان به بختیاری و فیروزی و اجرایی پروگرام اولیه داده، اظهار داشته اند که بدون شبهه باید در هر اقدام مراعات منصب اهالی و قشون بعهد نزدیک است که در تمام محاکم عثمانی جنگ خانگی شروع شود.

شش صد نفر سواران اردوی سوم از سلاویک با مر کتبه اتحاد و ترقی قلعه (هدم بوی) که قرب اسلامبول است تصرف نموده، و هفت هزار قشون دیگر هم فوری بآنها ملحق شده و بین یکی دو روز بیست هزار قشون در قلعه (هدم بوی) وارد خواهد گردید.

کتبه اتحاد و ترقی بحفظ مال و جان دطایب خارجه رسماً به سفر اطلاع داده و در تلگراف خود الزام عهد شکنی و خلف بین سلطان میدهد.

اهالی اسلامبول متفق شده اند برای تأیید پتنگ ترکها در محافظه مشروطیت و حفظ مملکت و وطن اهالی (رومیلیا) از مسلم و غیر مسلم لشکری و کشوری متفقاً تلگراف با اسلامبول نموده که اگر پروگرام اولیه جاری نشود و کابینه موجوده استعفا نهد فورا روانه اسلامبول خواهند شد.

هیئت وزرا کیسپوی نزد سفیر انگلیس فرستاده که ترجمان سفارت را برآی فهایدن قشون و اهالی فرستاده اطمینان دهد که دول مشروطیت عثمانی را منظور نموده ولی من بعد ازین خیال منصرف شدند.

صدر اعظم انگلیس در نطق خود اظهار داشته که سلطان اطمینان داده است که مشروطیت را قائم خواهد گذشت (مثل اینکه عهد علیشاه داده بود) مشارالیه بیان کرده که اگر سلطان مخالفت نماید دولت انگلیس هم همدردی خود را از او باز خواهد داشت، کیسپوی مرکب از چند نفر علمای و دو پاشا و سه نفر از اعضای مجلس همکسر فرستاده شده که آنها را فهایده آرام نمایند، ولی قشون بسحقان کیسپوز، قوی نگذارده و از خیال خود باز نیامده است، که کیسپوز، مرکب از بیست و پنج نفر فرستاده که بقشور اطمینان دهند که مشروطیت و پارلمان قائم خواهد ماند.

اهالی اسلامبول در کمال بی قراری اند.

در انقلاب بوم سه شب و چهارشنبه اسلامبول
هفته غم مقول و پانصد و چهارده مجروح گردیده
این حرکت را قشون باغی که سلطان فرزند خود خطاب
همه مرتکب شده اند

این بود مفهوم تلگرافیک درین موضوع رسیده ،
عقیده سیاسیون این است که سلطان سعی است که قوای
عسکریه را دوباره بکف خود گیرد ، و پیش آمد تمام
این امور مبنی بر همین مقصود است اگر سلطان بدین
مقصود نائل آمد همان اسول اولیه بروی کار خواهد آمد ،
و یک نفر از جوانان ترک زنده در خاک عثمانی نخواهد
ماند ، چه اقداماتی که تاکنون دیده شده تمام برای امر
دلالت میکند از قبیل بیرون کردن آن دو بتلین باغی
افسران خود را که هم زون ترک بودند ، و نیز وزرای
معروف باستبداد را بروی کار آوردن ، و عضو ار
بناوت قشون نمودن و آنها را فرزند خطاب کردن ،
و جنازه مدیر سربستی را که مخالف با ژون ترک بود
بآن احترام برداشتن ، و در مقبره سلطنتی دفن کردن
تمام بر این موضوع دلالت میکند

امروز میدان پشرفت مقاصد مشروطه و استبداد
در عثمانی بسته بمیلان قشون بهر یک ازین دو طرف
است ، یعنی اگر قشون اطاعت سلطان را نمود بدون
شبه همان دوره اولیه بروی کار خواهد آمد بلکه بدتر
(مانند ایران) و اگر اطاعت از افسران خود که ژون
ترکند بشود مقاصد کبیته انجمن و ترقی پشرفت خواهد
نمود ، ولی بمقیده واقفان رموز هم قشون و هم ملت
تأیید خواهند کرد کبیته انجمن و ترقی را ، اگر چه بعضی
از ملامها با سلطان هم خیال شده اند مگر مشروعه بازی
مشکل است در مستبدین عثمانی پشرفت نباید چه صاحبون
سلطان و اراکین استبداد را نیکو برکت زده و از وی
کاملاً وافق گردیده اند ، چنانچه ابدأ اهالی اعتماد بقول
درباریان که میگویند مشروطه بهم نخواهد خورد ندارند

چیزیکه مخوف ظاهر می شود این است که برخی
قشون اسلامبول مطیع سلطان است ، ولو باقی هم مطیع
شود لشکریان سلانیک و ادره تابع افسران خود که
ژون ترک است میباشد و این امر سبب جنگ خانگی
خواهد شد اگر اردوی دوم و سوم عثمانی که در ادره
و سلانیک است متصد با کبیته شوند مشکل است که
قشون اسلامبول بر فرض هم که تمام طرفدار سلطان
شوند کاری از پیش برند ، چه این دو اردو دارای
هفتاد و پنج هزار سوار و سیصد و پنجاه هزار پیاده و
ششصد هزاره توپ است ، توپخانه و قشون اسلامبول
به نصف این مقدار میرسد ، و طایفه یار بلاه عثمانی درین
میدان تابع غلبه خواهند بود هرگاه جنگ در اسلامبول

شروع شود نصاری کشی آغاز خواهد شد و حداً خارجه
امنیت و حفظ مال و جان رعایا را خواهند خواست
حداسیه نالخواسته اگر جنگ خانگی در عثمانی
شروع شود نمیتوان گفت مریکجا باز زد ، یعنی همه
چیز متصور است ، تبدیل سلطنت باقای مشروطیت و
جمهوری و سلطنت با پلپونی همه محتمل است

تا امروز خارجه مأمون بوده و تمام بی طرف اند
ولی پس از شروع جنگ تألیف وضعی که دارد پیش
می آید نه رعایای خارجه مأمون خواهند ماند ، و نه
دولت سابقه ساکت ، هنوز هم خبرخواهان ظلم اسلامیت
براست سلطان و تدبیر و سیاست اعضای کبیته انجمن
و ترقی امیدوار که نگذارند این مناقشه و جنگ
خانگی ثابت و خیم خود را ظاهر دارد ، باز مظلون
است فوری سلطان سپر انداخته خواهشات کبیته را
منظور نماید چه مقصود نیست قشون و ملت جز
قبلی باوی همراه شوند

برخی را عقیده این است که عیب مشروطیت عثمانی
این است که قشون در معاملات پلیکی دخالت نموده و
میناید ، ولی این عقیده برای مملکتی است که مشروطیت
او وضع گرفته باشد ، ولی برای مملکتی که تازه میخواست
با بدائرة مشروطیت گذارد بهتر ازین نیست که قشون
دخیل شود ، چه در دخالت قشون پشرفت امر یقینی
است ، و مشروطیت انگلیس در عهد چارلس و فرانس
در زمان لوئ و مشروطیت خود عثمانی چند ماه قبل
دال است بر این امر ، حالا ضد او ملاحظه شود در
روس که قشون شریک بود با آنها انقلاب و خونریزی
و قیام ملت کاری پشرفت نه نمود

ارایان راست که این موقع غنیمت را از دست
نداده گوی خود را از میدان برابند و سربماً بر طهران
قبضه نمایند چه تا وقتی که معاملات بالکان و عثمانی بله
طرفه نشود تمام دول با جمیع قوای خود متوجه مرکز
اسلامبول خواهند بود ،

امروز قش آلمان در عثمانی و بالکان دارد پیش
از همه پیش میرود
اگر اندک گفت و روزد مانند روس در بالکان
با زحمت صد ساله عقب می اوقند ، طبعه جرات
انگلیسی بجایه ژون ترکهاست ، مسلک اخبارات آلمانی
هنوز معلوم نیست ، همین قدر میتوان استنباط کرد
که کدام دستها در کار و چه رقابتها در پیش است

انقلاب خراسان (یا بهاء جون روس)

روسیا در حایه استبداد و مخالفت ملت ایران
تا امروز مقیده نبرده نگریه ، چنانچه بر حسب

که اگر روس ده قزاق وارد ایران نماید دیگران با زده وارد خواهند کرد، چنانچه عجز دیگر روسها از اه بلند کردند که صد قزاق برای محافظه سفارتخانه بطهران میفرستند آنها را همان نقشه را پیش گرفتند، اینست که خبر روتر دوازدهم اپریل از پترسبرگ خبر میدهد که دولت عثمانی برای محافظه سفارت خانه خود صد سوار اضافه خواهد نمود،

عقرب است در خراسان و حلبیج فارس همین آوازه بلند شود

این نکته را هم نا گفته نمیگذاریم که آلمان و اطریش و عثمانی در معاملات ایران هم افکار و هم قدم اند، آلمان آن دولت است که یک تشر روس را از حقوق صد ساله در بالکان باز داشت

اشاعة یومیة جبل المتین در رشت

(و اعلام از سایر جرائد جدید)

از عشر سوم صفر ۱۳۷۷ یومیة جبل المتین در رشت بهمان اسلوب و مسلک قدیم در پوشیده نیست مدیریت مدیر اول آن جناب آقا میرزا سید حسن کاشانی برادر با حوهر و غیرت ما در چهار صفحه اشاعت مییابد

روز نامه شریفة نسیم شال هم که از جرائد معتبره طهران بود و در نامه ۲۳ جمادی الاولی در ظلمت استبداد افول نمود، بیمنت و مبارکی در رشت طلوع کرد روزنامه شریفة مساوات نیز که مسنغی از تعریف و توصیف است با همان آب و تاب و قلم همان مدیر محترم از تبریز طلوع نموده است

روزنامه صور اسرافیل که استبداد را بدون شبهه شیور موت است در (اوردن) سویس یادگار مدیر شهیدش میرزا جهانگیرخان قلم پر قوت مدیر اولیه او جناب آقا میرزا علی اکبر خان بهمان وضع و سلیقه مخصوص اشاعت مییابد اللهم زد و شید ارکاهم

حق این است که بزرگترین صدمات و طسارت ملی و جانی درین داهیه اعیان و ثلثه عظامی ایران باید نارباب جرائد داخلیه خصوصاً طهران شد مع ذلک آن غیرت ملدان وطن خواہ در هر نقطه که توانستند دامن جانفشانی در طریق خدمات ملیه بر کمر زده بر جان خویش نه ترسیده و طاقت خود را ملاحظه نکرده بی درنگ در ایقظ ملت کوشیده اند، ملت راست که قدر این فدائیان حقیقی خود را بداند، و صرف نظر از خدمات ذی قیمت آنها فرماید، قطعاً کشتی شکسته وطن را بساحل نجات همین رات خواهد رساند، آنچه این ناخدايان غیور را بجان فشانی را دارد همان قدر دانی ملت از خدمات آنان میباشد.

دهوت دولتیان باسم حفاظت قوسل خانه خود و منافع تهدید ملت مانند رشت در خراسان نیز اقدام نموده اند (۲۱ ع ۱ - ۱۲ اپریل)

مخبر روتر خبر میدهد دولت روس هفتاد و پنج قزاق و دو نوب (ماشین دار) برای محافظه قونساخانه خود در خراسان روانه خواهد نمود

جبل المتین

حرکات روسیان تمام مبنی بر سرعوب ساحلین ملت است چون رسماً مداخلت نتوانند کرد به تهدید سری ملت حمایه از استبداد می نمایند جواب از این حرکات روس که مؤثر تواند شد بدو قسم است، اول قسمی که ستارخان در تبریز نمود که بهیچ اسم و رسم و بهیچ لباس قزاق روس را در تبریز راه نخواهد داد، طریقه دیگر پروتست جدی است به تمام دول از جانب ایرانیان داخله و خارجه خاصه رؤسای روحانی و هر گاه هر دوی این دو طریق اختیار شود مؤثر تر تواند بود

جنگ در محلات خراسان بین مستبدین و مشروطین شهری ولی همان قسم که در تبریز و اصفهان و رشت مال و جان رمایای خارجه محفوظ بوده در خراسانم بی روی از همان نقشه شده تمام هم خود را در املیت خارجه قرار داده

افسوس نادان پوشه ریان و حرکت انگلیسان در پوشه ریان به گونه دعوتی برای روسیان در خراسان وغیره گردید، سکوت ملت درین حرکات کار را سخت تر خواهد نمود، چه دولتیان را آمال و آرزو دخالت خارجه و هماره به دهوت آنان کوشیده اند و ناوقت که حمله بطهران نشود و پارلمان را قائم ندارند همین آن در کاسه خواهد بود، بلکه روز بروز بدتر خواهد شد چه اهالی غالب بلاد ایران حکم پوشه ریان را دارند که از اداره گردانی عاجزاند، مسام است که اگر دست افساد هم درین نباشد، درین گونه بلاد خود بخود انقلاب زیاد می شود، و بهانه دست خارجه می اوتند، برای رفع انقلاب و دفع بهانه خارجه جاره ملخصر است در این که صاحبان طهران را قبضه نموده و پارلمان را دادر نمایند، و اگر تعالی رود پشیمان خواهیم شد وقتی که پشیمان را سودی نباشد، حرکت بجانب طهران طبعاً قشورت استبداد را در آذربایجان منتشر می نماید نمیدانم اصفهانها و گیلانها در برش بطهران هم منتظر اقدام و حرکت تبریزیان میباشند ؟

اگر خوف از اجاب باشد سکوت بوضع حالیه بیشتر اسباب خوف است، این نکته را هم باید داشت

ترجمه طمس ۱۹ مارچ

وقایع ننگار ما مینویسد - خبر عالی که از اروپا می رسد که در طهران آثار بقاوت و خویریزی مبادت مقرون به صحت بست، حالت طهران بدستور سابق است - چون شاه را مدد مالی میرسد تصمیم منعم نموده که بزودی قانون مشروطیت را منظور نماید، تمام امور بسته به فیصله امر تبریز است که قشون شاه محاصره کرده و از تسخیر عاجز مانده اند، از چند هفته باین طرف علامت حرکت بسمت اصفهان ورشت هیچ دیده نمی شود - بسیاری از شهرهای دیگر هم بیضه مشروطیت در آمده - نه فقط از این جهت که تازه طالب مشروطه شده بلکه بسبب ضعف سرائر و حرث اهالی از طریق سابقه می باشد رعایا از دادن مالیات روگردانند، اغلب دکان طهران بسته ولی انجام بعضی معاملات سرسری می شود، حال التجاره از راه بحر خزر وارد، امسال بر تجارت بحر خزر و خراسان افزوده - ولی تجارت پوشهر و تبریز رو به انحطاط بوده - قصای تجارت جنوب زیاد است

قبضه مشروطیت بر کمرکات خلیج فارس

ملت بندر عباس بر کمرک قبضه کرد و حاکم آنجا را مزول و از طرف ملت شخصی را منصوب نمودند - گویا در پوشهر هم به همین منوال عمل نمایند - این ایام چنین اتفاقات در ایران اهمیت دارد - شاه بالتس رم زیر سر اهالی بلاد گذارده امیدوار با اجرای مشروطیت مبادارد، و فرار یافته وضع مجلسی هفته آتی بشود که در آن مجلس بحث از اصول مشروطیت آینده ایران نمایند - این مطلب هم افواه است که شاه مشوش است از اینکه دول اروپا در مشورت دادن بوی چرا مساعی می کنند -

حادثه بر شاه

امروز وقوع حادثه بر شاه رخ داد که از آن بهتضای وقت اهمیت زیاد دارد چه مرکز اتحاف عمومی است که اگر در راه سفر وقوع حادثه برای کسی رواید تمام سال گرفتار خطرات و بلیات خواهد بود -

خرش بختاه یا بد بختاه شاه ربوالور خود را بر کمری بست که بهتأخیرها شده و جراحی بر شانه وی رسیده است، میگویند شاه بنرم صید خرگوش

مصمم بود، و نوع این حادثه گویا الهام غیبی بوده تا شاه را متنبه نماید از کشتار و خویریزی ملت بناحق

علامت امیدواری

نامه ننگار مخصوص ما از (پتربورگ) ۱۷ مارچ خبر میدهد که از سفارت خانه طهران بشاوی از اجرای مشروطیت رسیده چه قیام ملت شاه را مجبور نموده و گوش به نصح وزیرای داناییه قابل خود داده که مؤید آنها دولتین روس و انگلیس هستند - در خصوص استقراض رساله انکار کرده شده - دولت روس اراده قرض دادن یا فرستادن دسته قزاق بطهران ندارد -

خلاصه اخبارات راجعه بایران

ترجمه از جراند خارجه

صبح مینویسد - بموح خبریکه (انجمن سعادت ایرانیان) در اسلامبول رسیده شب ۲۹ سفر احرار تبریز به اردوی استبداد هجوم - در تصرف اردو آنچه استحکام و ذخیره بود ضبط کرده ۶ نفر اسیر آورده و ۲۴ مقتول ساخته اند، استبداد یان فرار و آلات حربیه و غنیمت زیاد بدست احرار آمده است شاه قطعی امتناع از دادن مشروطیت نموده هنوز در خیال آنست که با نوپ و تشر کار را پیش برد و بازارهای طهران را که بند است بگشاید - وزیر خارجه استغفا داده است

از طهران خبر رسیده که عساکر باغ شاه بوزیر جنگ اعلان عصیان داد اند

از تبریز تلگرافی رشت رسیده، در محاربه آحر قشون عین اللهوله و سمد خان و سردار ماکو مغلوب گردیدند تمام مشروطیتین از این مظفریت خوشوقند، احرار رشت در ۲۰ برسی قزوق قیام دارد

دسته های مجاهدین در نزدیک قزوق طرف قشون استبداد حرکت کرده قشون شاه به استحکامات خود پناه برد ولی هجوم و بورش مجاهدین آنها را از سنگرها بیرون آورده و فرار مجبور نمود، در آتشی فرار ناصر خان - ابراهیم خان و بعضی سرکرد های مستبدین قتل رسیدند - قشون شاه تمام پراکنده و قناتم زیاد از قنک و توب و اسب مجاهدین رسید از باریس خبر رسیده که شاه هر قدر اشیاء برجا

و اتان سلطنت بود توسط یکی از مقربین خود به اروپا فرستاده معلوم نیست برای چه و قصدش چیست

حبل للذین

برای فروش و استقامت در حلقه مشروطیین

اتفاق مینویسد - رئیس قشون شاه و مجاهدین رشت از صلح پشیمان آمده مجاهدین باین شرط پذیرفته اند که فوری مشروطه وره آماده مرگ شود ، و بروز مجاهدین از ساحل دریا کتک زیاد رسید

پسر آقا بالا خان حاکم مقتول رشت از اروپا ۲۵ صفر وارد انزلی شده او را گرفته حبس نمودند

شجاع الدوله پسر شجاع نظام براییه قصاص بدر از ستار خان حرکت ، ۲۹ صفر با جبه قزاق

و سرار و نزدیک شهر وارده ستار خان ازین دو طرفی مطامع و قشون خود را در دو محل پنهان داشت

شجاع الدوله با دو توپ بر قشون آشکار ستار خان حمله برد مجاهدین خلوتشان را تسلیم جلوه دادند ،

از آن طرف ستار خان که در دو قطعه قشون خود را جمع آوری نموده بود از دو طرف بر آنها ریخته

بسیاری را هلاک و اسیر نموده شجاع الدوله در این میدان محروم شده فرار مینماید ، دو توپ از اردوی

شجاع الدوله غنیمت محاسب شد ، قراول اطراف شهر را ستار خان زیاد نموده است

رشت آرام ، مجاهدین همه روزه مشق نظامی مینمایند و دو نفر معلم از اروپا جلب نموده تعلیم شان

میدهند ، دو ضابطه شان از جوانان ترک هم قشون ملی را مشق میدهند و در لباس قزاق هستند

از فرانسه اسلحه های زیادی بشروطیین رسیده است

دو ماه است که باکوف ابداً بولی رسیده خود و قزاقش بریشان اند

از سلیمان خبر رسیده که زیر فرمان ملک کوماندان پنجاه هزار فشنگ و ۲۹ حوان ترک وارد گردیده ، از

کوه شکاک نیز اسلحه آقا و تیمور آقا با سواران خود شان وارد سلیمان شده روز بعد کتک مجاهدین

حرفی حرکت کردند در ارومیه فرقه برطرفداری استبداد تشکیل یافته

این جماعت دارای املاک زیاد اند و ملا نایان بیدین

این شهر را هم با جاذبه بول بطرف خود کشیده در شهر اغتشاش زیاد برپا نموده اند ، مجاهدین هم کم کم از اطراف و اکناف دارند در ارومیه جمع می شوند ،

تا کنون قریب دو هزار مجاهد مسلح در ارومیه جمع شده - بازار ها بند ، مردم در مسجد ها جمع

وساعت بساعت برعهده مجاهدین می الزاید ، ۱۵ صفر مجاهدین جبهه خلف دولتی را متصرف شده - حکومت

آنجما فرار نموده ، انجمن تشکیل داده و انتظامات شهر بدست انجمن است ، دولتیان از شهر فرقه

(دیزه) فرار و در آن جا مشغول بهب و نظارت اند ، سیم تلگراف ارومیه قطع و مخازن بند است ، از راه

تلفون با سلیمان مخازن جاری و خطوط شاررا قاصد مخصوص می برد

حکومت باغشاه حکم های سخت بر اهالی طهران صادر نموده انقلاب و شورش بدرجه کمال است ، امروز

در چند یرسی طهران شورش و عصیان بزرگ از حالی بروز نمود

شهر یزد و کاشان و قم حکومت استبداد را معزول نموده اند

در قزوین شورش در نهایت شدت است

از اصفهان مجاهدین به شاه در مخیره اند و به او حمله نموده اند که ظلم های تو بدرجه آخر رسیده ،

اگر مشروطه را فوراً جاری نه بمان تکلیف خود را ظاهر خواهند نمود

یکی از مجاهدین رشت (شریتمدار) خطی بشاه نوشته بود در راه جاسوس مجاهدین او را گرفته نزد

سپه دار اعظم آورده خواستند او را بقتل برسانند ، سپه دار اعظم مانع آمده است

حاکم اردبیل رشید الملک آنچه ظلم و استبداد است در حق فقرا و ضغفاء نانی نگذاشته و از

جانب روسیه هرکس برطرفداری مجاهدین میرسد او را گرفته اذیت میرساند و حبس و جریمه میکند ،

کافذها همی است را همه واز و مطالبه نموده در هر کافذ رایحه مشروطیت مدافعت میرسد صاحبش

را طلب نموده جریمه میکند ، آقا مختار نامی از اهل اردبیل از رشت وارد و احوالات رشت را ذکر

مینمود ، جاسوس های رشید الملک او را گرفته بقلعه برده بعد از زدن چوب ۵۰۰ تومان جریمه اش مینمایند

از اردبیل با طرف روسیه خبر فرستادند که احوالات مشروطه را در خطوط خود ابداً ذکر نمایند

از اهلی خبر رسیده که از جانب روسیه چند نفر قزاق به آستارا وارد و اهالی واهمه برداشت بودند . سپس معلوم میشود که برای حفاظت سرحد خودشان است ، این روزها جنگ میانه مشروطه و مستبده گرم است و خوف جنگ عظیم تر هم میبود روسها قزاق را در محافظه سرحد خود احتیاطاً فرود آورده اند از رشت الآن خبر رسیده که قزوق را مجاهدین محاصره نموده اند ، اهالی شهر در فرقه شده ولی مظلون است که شهر تسلیم شود ، از تاقون خبر رسیده که شاه اعیان و رجال دولت را جمع و در اعاده مشروطه صلاح میکند ، امیر بهادر ولیداکوف بشاه اطلاع داده اند اگر مشروطه بدهد او را خلع و بپوش بر تخت خواهند نشاند ، شاه به امیر بهادر حبلی فحش داده سپس بجهت بی بولی تسلیم آراء آنها شده است

اقدام مینویسد - تلگرافی از جانب مات عباسی بانجمن سعادت اسلامبول رسیده که به امر حاجت الاسلام حاجی سید عبدالحسین مجتهد لاری تمام دوات دولتی در تحت تصرف مات آمده ، مال و جانب تبه خارجه محفوظ از هر طرف سکون و آرامی موجود است به انجمن سعادت اسلامبول خبر رسیده ، احرار خوی دفته دوم به مستبدین ماکو هجوم آورده از مستبدین هتتاد فر تلف و از رؤسایشان سه نفر گرفتار از مجاهدین سلماسی غیرت مند یگانه سعید به شهید گردید

(حبیل القین) خدمات ابن سعید شهید بالا از آن است که مجتهد تبریز آید ، بر ذمه ماست که شرح زندگان این جوان ناکام و خدمتیکه بمشروطیت ایران نموده در آتیه درج نمایم

حاجی پشتهاز حرکت به تبریز و احرار از هر طرف غالب آمدند

از شلیدن خبر شهادت سعید سلماسی رحمت الله علیه از روز دوشنبه در جامع خانوالله ایرانیان مجالس عزیمت بر پا کردند ، تقصیل شهادت این جوان چنین است : شب چهارشنبه ۲۶ صفر ماکویشا قریه سعید آباد را اشغال کرده - از جانب خوی دو دسته مجاهد به قریه سعید آباد

هجوم آورد و از سه جانب محاصره شد ، سعید شهید هم در حبیل مجاهدین در سنگری ایستاده الی صبح مشغول دافع بود ، علی الصبح که ماکون ها را از سعید آباد بیرون کردند شتاً آن سعید شهید هدف گلوله گردید ، ۱۵۰ نفر از مستبدین درین میدان قتل و ۴ نفر اسیر شده اند ، از طرف مشروطین هفت نفر شهید شده ملجئه سعید شهید است

حکومت طهران تمام قوای خود را در باغ شاه جمع می نماید ، نایب السلطنه عموی شاه و بعضی از مقران برخی تلگرافات را شاه رسیده ، سعید الهوله هم بعضی حرفها به گوش شاه خوانده و حالی نموده است که اطرافیان تمام در فکر تحت کردن و کیسه بر کردن خود میباشند ، مملکت اصلاح لارم دارد و محتاج به اقدام فوری است

از تبریز به انجمن سعادت اسلامبول خبر رسیده حکه از چهارم صفر محاربات عظیمه دوام و طاقت عین الهوله و سعدخان مغلوب و کلی متول و اسیر شدند شاه قطعاً انکار از دادن قانون اساسی نموده چند توب در طهران گشاده که شاید بازارها باز شود ، وزیر خارجه استعفا داد

احرار تبریز در مقابل محاصره قیام نموده در مقابل حمله مجاهدین عساکر شاه دوام نکرده در قریه های بی طرف فرار کرده اند

قشور باغشاه با وزیر جنگ طغیان نموده اند از تبریز بهم تلگراف قطع و مختارات بند است

◀ احوالات جگر سوز ▶

از طرف قراجه داع علی اکبر خان ، سوات الهوله ، ضرقام السلطنة و نهر مان خان با ۲۰۰ نفر سوار بطرف (علمدار) آمده بنای قتل و قارت گذارند ، در محال (کرار) هم هجوم برده مردمان بی سلاح بدست و با از قریه های احمد آباد ، ماراد ، داران و اعشار دست زن و بچه خود را گرفته به سرحد جلفا رفته و از آنجا بطرف (اردو باد) و قریه های روسی پراکنده شدند ، روز دیگر روسیان سالدات فرستاد و آنها را جمع آوری نمود ، به جلفا رسانید ، و هر موردی که بطرف ایران رحمت نمایند ، در جلفا محسری برپاست که نمیتوان شرح داد

ازمیر

۲۰ صفر ۱۳۲۷

چنانچه در روزنامهها ملاحظه فرموده‌اید، بعد از انتشار احکام حجج الاسلام از نجف اشرف که مأمورین شایسته و شایسته، مالیات ندهند، تذکره نگیند، در هر شهر و قصبه داخله و خارجه مردم با دیانت ایران اطاعت اوامر حجج الاسلام را واجب دانسته از خودشان اهمتها تشکیل داده بامورات خود رسیدگی مینمایند از آنجه (ازمیر) انجمن موسوم باخلاق دایر و چند نفر اعضا منتخب شدند

از آنجا که انتخاب وکلا از روی قاعده صحیح نبود چند نفر معتبرین این شهر داخل شدند، آن بود که قدری رودت در ایرانیان و همچنین میان قونسلیخانه و ملت کدورت حاصل گردیده بود، لذا از طرف انجمن حرکت اسلامبول کتبا و تلگرافاً شکایت کرده و طواغیت نمودند که دو نفر از متمدین انجمن سعادت در آنجا آمده رفع فائده را بنمایند -

حضرت آقا میرزا حسن حلی زین العابدین آقا مرافقه و حاج حسین آقا تبریزی در مقدم شهر صفر بی خبر وارد (ازمیر) شده در سهانه منزل کردند، شبانه رفته نوشته از انجمن اخلاق دو نفر را دعوت کرده بعد از فهمیدن اسباب اختلاف رفتند بانجمن، معلوم شد که بعضی افراض شخصی و القای شبهه در انتخاب اول شده بود، لذا بمجمیع رطایب ایرانی اعلام نمودند که همگی جمع شده از نو انتخاب وکلا نمایند

در روز دهم ماه جمادی جمع شد، رأی خلق گرفته شد، نه نفر که طرف انجمن موسوم بود انتخاب شدند، همان شب در میان ملت یک محبت و تفاهت حاصل شد، حاجی زین العابدین آقا در اول بطنی مؤثری نمود، محبتات اتفاق و مضاف و سیات اتفاق را بیان کردند، حاضرین همه تصدیق نموده مجلس بخوشی ختم شد

فردا تا تمام اعضا مجتهدان فواصل خانه حاضر شده با جناب مشیر حضور با کمال مهربانی فرار و مدارای گذاشتند که بموجب نظامنامه انجمن سعادت اسلامبول که تازه نوشته شده است رفتار نمایند، تکالیف آمر و مأمورین معین شد، نقل اسلامبول تمام خدمه بزرگ و کوچک

موجب کافی بدینند، تعارف، رشوه، خدمتگاه، دیناری از کسی نگیرند و بصدقات خدمت کردن دولت و ملت سوگند خورند.

الحق مرکز اسلامبول قواعد خیلی خوب مادلانه گذاشته، اگر مشروطه اینست جان همه فدای جان مشروطه باشد، جبهه تحصیل چنین قانون و حفظ شریعت اگر هزاران خون ریخته شود عیب ندارد که خونهای یک نفر سب آبشش و زندگان یک کرور نفوس تا اند میشود

اری - در بیست و یکم ماه جمادی تازم اسلامبول شدند، تمام مات از کاردانی و مهربانی ایشان متشکر حلی الناس کردند که چند روز بماند بماند عذر خواستند، خداوند امثال ایشانرا زیاد فرماید.

خلاصه حال سوء خلقی که بین ملت بود رفع شد، اگرچه از اول هم همه از جناب مشیر حضور راضی بودند، حالا راضی تر شدند

در اولین اجلاس سری

فرقه جزا اختار شده است

جمع آرمینان روی زمین باید مطلع باشند که حالت ملت ایران در این زمان چه گونه است، زیرا که ملت نیز جزئی از اجزاء هیئت نوعیه بشریه است که در خاک و آب و هوای کره و احساسات انسانی ما دیگران اشتراک دارند، همه اهل تاریخ میدانند که ملت ایران از وقتی که علم انسانی از مبداء آن اطلاع دارد و بلکه از بدو بیدایش خود تا کنون هر چند مکرر ترقیبات ظلم گیر نموده، ولیکن هیچ بدایره تمدن حقیقی مرور نکرده‌اند تا امروز ایران ادا در تحت یک قانون مؤسس ملی زندگی نکرده، و برای ادره امور جمهور و اطلاع عامه جمیع و مجلسی نداشته و هیچ ندانسته اند که حق ملی کدام است، و فهمیده‌اند که باید حق خود را طلبیده در راه آزادی جان داد، آن اوقات ایرانیان را زمان بدویت و بهمیت نام گذاشته و مال حبه را در بقاظ و تربیت آنها که ادای وظیفه نوعیه است بمقام محاکمه می آوریم، ولیکن امروز افراد این ملت بستر جهالت را یکدفعه بر چیده و در مقابل لشکر جرار ظلم و استبداد پنج هزار ساله پادشاه

به مشهد پنج هزار تومان طلب میکنیم، چون وارث او نداده است وی هم فرستاده شد -

طون و طبس هم از برات اقدامات غلام علی خان کرد منتظر است و حکومت طبس از عهد و عهدیه بر نیامده عنقریب انجمن دائر خواهد شد

واقعات اصفهان

(۲۳ صفر ۱۳۲۷)

(وقایع نگار ما)

اخبار اصفهان کافی الساق است . در ایوان سهام السلطنه هرب را که نارادت و اخلاص بحضور آیه الله آقا نجفی معروف است برای عهد مصالحت و مذاکره اصلاح باصفهان فرستاده چهار روز است وارد شده و در منزل آیه الله منزل گرفته پیغامی از صدر اعظم و شاه مشعر بر تهدیدات و تشویقات بوج دارد و نتیجه مذاکرات هیچ ظاهری نشده و بنین هم ظاهری نمی شود . همان شب ورود نارنجک کوچکی در ب مسجد شاه زمین خورد و اعلانی در ب مسجد چسبانیده شد که مستبدین بدانند از این قبل آلات ناری هم در اصفهان یافت میشود . این واقعه کب اهمیت پیدا کرده است

بگفته قبل هم معین هابون که حلیه سالار اشرف لقب دارد و پسر هموی مصمص السلطنه و برادر لطفعلی خان و از جهة شام پرستان گفته میشود وارد اصفهان که در خصوص اصلاح النیسام ذات الین مذاکراتی باید ، گذارش تمام مبنی بر اختیار بطرفی بوده که پیادانش این امر ایامی گری اندی بحساب مصمص السلطنه واگذار شود و حکومت اصفهان با سردار ظفر ، تا بدین واسطه رفع اتهام از این تیل حلیل در نزد دولت بشود . مصمص السلطنه حوایب را موکول رضایت ملت کرده و آقا نجفی هم الحقی لزوم بودن مصمص السلطنه را در اصفهان تاکید کرده است . بالاخره معین هابون ، ابوساه باخاق سالار حشمت مکاشف رفتند که سردار ظفر را ملاقات کرده کار را یکسر نهانند از انجمن سعادت هر هفته تلگرافات مشرفه میرسد و اخبار حرکات تبریزیان را میدهد . رابطه تبریز با اصفهان بلا واسطه صورت به بسته است

میکنند . سکوت صاحبان ملک حریت دیوارا اعتراض کرده و توجه راداران حریت خواه را بحساب ایران معطوف میداریم ، امروز فرقه جزا تکلیف انسانی خود را در آن می بیند که جزای مظالم چندین هزار ساله را به ظلمه خونخوار وطن بدهد ، و انتقام شهدای مظلومین را از قتل خدا ناشناس درباری بگیرد . به حکم خدا وقتوای علمای دین واجب شده است حشرات دولتی را که موذین ترین جانوران طبیعت اند از توده خاک محو و نابود نمایند ، هرکس در این وظیفه انسانی خود را شریک این فرقه میداند باید بدون تأمل حاضر معاوت و اقدامات باشد . دشمن عالم انانیت یعنی محمد علی و شرکای خائش دانسته و آگاه باشند که این سخت استبداد عنقریب سرنگون خواهد شد ، چنانکه هموم مات پای سردانگی زمین زده ، حق خود را از آن خناسان حق ناشناس میخواهند ، تمام ملک روی زمین هم بدون استثنا فریاد بر آورده میکنند محمد علی و تابینش خان و قاصب اند ، استحقاق سلطنت ایران را ندارند و واجب القتل اند . فرقه جزا امیدوار است که بدون خداوندی و همت اعضای قبال و امداد فرق حریت پرور علم عنقریب دائرة (باغ شاه) مثل کوه آتش فتان دهن باز نماید

تربت حیدریه

سالار خان بلوچ قد مردانگی در اجراء احکام حصرات آیات الله نجف اشرف و استقرار مشروطیت بر افراشته از خارج شهر به تربت حیدریه آمده شجاع الملک حاکم آنجا را مقتول و ارک حکومتی را متصرف و انجمن ولایتی را با کمال نظم و ترتیب تشکیل و تلگرافی هم به مشهد نموده که هرگاه مرخص فرمایند با ایل و طایفه خود بشهر آمده دیاری از مستبدین زنده نگذارم - وکلای ملت او را تحسین نموده تعجیب کردند و عدم ضرورت ویرا در خراسان اظهار داشته اند و هرکس به شجاع الملک بده کار بود حکم به عدم ادای آن داده اند . جنازه شجاع الملک را خواستند به مشهد حمل کنند - مشروطین اظهار داشتند که چون صمد خان مراقبه برای دفن سید شهید مظلوم آقا میرزا سید حسن مراقبه پنج هزار تومان گرفته ما هم قصاص کرده ، برای برداشتن نفس شجاع الملک مستبد

از قارس هنوز آثاری ظاهر نیست غیر از لارستان که دولتیان شکست خورده اند. رابطه احرار لار هم با اصفهان هفته کی است

انتظام الملك برادر سهام السلطنه چند سیه قبل ما عده سواری بجایت بختیاری وارد شد. و تازی طرف اردستان رفته است. انجمن ولایتی مشغول انتظام سایر اداراتند و جداً اقدام دارند. عیبی که در کار است فقط خط الرجال است. خبری دیگر که مایل بنسب مرض کیم آلت است. قسه که در چهارده فرسخی شهر و حکومتش سابقاً با یکی از حضرات بختیاری بود در این ایام هیئت مأموری از طرف حکومت برای استرداد خشکهای دیوانی از سر بازاری قسه مأمور میشود. اهالی قسه با سربازها متحد شده. مأمورین را سخت جواب داده خشکهای آنها را هم گرفته و اخراج نموده دروازه ها را خاک ریز و سنگر ها بسته اند و منتظر زده و خوردن با مشروطه خواهان و خوانین شده اند. از اصفهان دو نفر و کلا که از اهل قسه بودند برای اصلاح رفته و کاری از پیش نبردند. مقاومت هیچ سلاح نبوده زیرا سکرهای سخت در اطراف قسه دارند. ملاحظه یکی از اجزای ظل السلطان برای عقد اصلاح بقعه فرستادند و طوری اصلاح داده شرایطی کرده اند که مجبوراً باید قبول کرد

واقعات طهران ۲۴ صفر ۱۳۲۷

(وقایع نگار ما)

اخبار طهران خیلی موخس است آثار اغلاب و رولیسون مظالم در تمام شهر هویدا. تعطیل همی کاملاً حاصل. حتی چند دکان هم که در بازار ناز بود پس از قضیه غره صفر که اسمعیل خان شهید راه وطن را به اتهام بی مسئولی ساخته از دروازه آویختند تمام بسته و اغلب اهل بازار ملحق به منحصنین حضرت عبدالعظیم شدند و عجباً نسبت حضرت عبدالعظیم بالغ بر هفت هزار نفر است. تمام در محن و مسجد و منازل اطراف هستند. یک عده قزاق و ژاندارم از جانب دولت اسم حفظ امنیت در آنجاست. انهاد التولیه بدستور العمل های بیغ شاه بی اندازه مخالفت با ملت میباشد. منحصنین سفارت علیه نمایان نیز کما فوالسابق

باق اند. ژاندارم هم اطراف سفارخانه هست و محالست دارند اهل را از آمدن و شد. قسحات برادران اصفهانی و گیلانی و آذربایجانی طهرانیان را بنیرت آورده عجباً طهران در منتهی درجه انقلاب است. شب و روزی نیست که دعوا نشود و آدم کشته نگردد. سه روز قبل در سر قبر آقا ما بین فوج کروی و سیلاخوری نزاع شد از طرفین ۴ نفر مقتول و چهارده نفر مجروح شدند. شبها از ساعت یک از شب کسی قدرت ندارد در کوچه و خیابان عبور کند بسات اینک عبا و قبا و کلاه ربانی رواج است و هر شب عده را لخت میکنند دو سه روزی است شهرت دارد روسها اسم حفظ رعایای خود بجاه قزاق وارد رشت نموده اند. لهذا در ۹ شهر حال پروتسی از منحصنین حضرت عبدالعظیم و سفارخانه های تمام سفارخانه های دولت شد شهرت دارد شاه حاضر شده است مشروطه را بدهد و سعد الدوله و امیر السلطنه عجباً ما بین ملت و دولت مشغول مذاکره هستند

امیرجهاد سپهسالار شاه منزلی در زرگنده شیران که سفارت روس است اجازه نموده و تمام اسباب منزل خود را با آنجا فرستاده عیال خود را هم خواهد فرستاد از ترس مجاهدین ملت. معلوم است بعد از اینکه خان تمام ایرانیان را خراب کرده سفارت روس متحصن خواهد شد. این مسئله ثابت میدارد مخالفت روسها را با ملت ایران -

قزاقی سه روز است تعطیل همی است نیرالدوله از جانب محمد علی شاه حکم خراسان شده و سه روز قبل حرکت کرد.

شعاع السلطنه که آمده بود بطهران شش روز مانده مجدداً مراجعت بفرمان کرده

شاه و درباریان در کمال ترس هستند.

سه روز قبل اول مغرب قزاقهای لیا سکوف اردشیرجی رئیس طایفه زودنتیه را با هم اینک تو مسبو بانوف بلغاری حتی گرفته بردند منزل بالکونیک بعد که معلوم شد بانوف نیست مرخصش کردند. سفارت انگلیس سخت از بی قضیه متعیر شده ولی چه کند و با که طرف شود

پرواست متحصنین حضرت عبدالعظیم

(و سفارت علیه عثمانی بصرای دول منجابه)

بطوریکه خاطر مودت ذخائر جناب جل جلاله مسبق است از ابتدای انقلابات این مملکت که نتیجه اقدامات خائن دربار در تضییع حقوق مشروطه این ملت است ، در هر نقطه ایران که ملت خواهان شروع به اقدام در استرداد حقوق خود نمودند اول وظیفه خود را در این دانت که امنیت و حفظ حقوق اتباع خارجه را تدارک یابند ، و این ملت در کمال مسرت ملاحظه می نماید که الحاقه بخون تا کنون از عهده اجابه این نیت برآمده ، چنانچه تا کنون در آذربایجان و سایر نقاط ایران از طرف ملت به پیجوخه خارجی هیچ عنوان به اتباع خارجه وارد نیامده است

لذا این حسن نیت با کمال اطمینان ملاحظه می یابیم که در هر نقطه که از طرف ملت برای استرداد حقوق خود اقدامی شده است اولیای دولت روس لازم دانسته اند که از طرف خود شان را به امنیت و رعایتی خود مستحقین نظامی مأمور نمایند ، چنانچه در این اوقات هم با کمال تحسر شنیده می شود که در رشت و همین مسئله اقدام نموده و ملتیان آنها را از حسن مراقبتی که در حفظ امنیت اتباع خارجه دارد مأیوس و متأثر داشته اند ، لهذا این ملت در نیت صداقت خود نسبت به اتباع خارجه تصویری پورزیده کافی السابق نهایت جد و جهد را در حفظ جان و مال آنها بعمل آورده ، و از حراست آنها هفت نخوهند ورزید ، و یقین داریم که از طرف ملت ادا صدمه و آسیبی بآنها نخواهد رسید ، و مترصد هستیم که اولیای دولت بهیچ روس عاجلاً عدم لزوم مستحقین مزبور را ملتفت و عده را که را به حراست اتباع خود در رشت مأمور نموده اند مراحت خواهند داد و خود را مکلف نخواهند دانست ، که با وجود حسن مراقبت ملت نسبت به اتباع آنها باین قبیل اقدامات دوغاطبکه ملتیان استیلا دارند پردازند ، الاحقر البرزوی علی الطباطبائی داعی مصطفی الطباطبائی ، صدرالعلماء ، الاحقر سید محمد امام زاده ، العبد عبدالحسین ، مهدی الطباطبائی ، الاحقر محمد حسین البرزوی ، الاحقر احمد الطباطبائی البرزوی ، سلطان العلماء التقی ، شیخ علی مدرس ، سید

بنفوب لاونجان ، حسین الفاضل البرزندی ، محمد حسین اصفهانی ، سید صیاد الدین الطباطبائی ، ابوالقاسم الاصفهانی ، حاجی علی شافروش ، محمد تقی شاهرودی ، مستعان الملک ، وکیل الرطابی حمدان ، شیخ نورالدین بروجرودی ، و سی و یک نفر دیگر از رؤساء متحصنین حضرت عبدالعظیم و سفارت علیه عثمانی

واقعات بندر عباس ۱۵ ع ۱

(وقایع نگار ما)

بعد از آنکه قوسل انگلیس اظهار نمود که کمرکات خلیج فارس در رهن دولت انگلیس و باید طایعات کمرک عباسی ، قوسل خواه رسد ، جناب مصباح دیون با نائب قوسل مذاکره در این باب نموده قوسل راضی شد که نصف طایعات کمرک به تصرف قوسلخانه و نصف دیگر بتصرف ملت در آید را به مخارج لشکر و حفظ مملکت ، چون واقعه بوشهر نیز پیش آمده و کمرکات و دواب دواتی بتصرف ملت در آمده بود ، تا کمرکاتاً به بوشهر مذاکره و -صوری مجابره شد جواب دادند که قوسل اظهار نمایند هرگاه این رهن قبل از مشروطیت یا در وقتی است که مجلس قائم بوده ملت در ادای آن حاضر است ، و اگر بعد مخرب مجلس مقدس و برهم زدن اساس مشروطیت بوده ملت دمه دار ادای آن نیست ،

هر حال ملت تا کنون زیر بار نرفته از طرف دیگر نیز قوسل انگلیس طایعات کمرک را تماماً نزد محمود ، کمرک سپرده و نگذاشته و ملت هم تصرف نکرده ملتیان بندر عباس در تحقیقات لازمه خود در موضوع سعی اند ، پس از معین شدن این امر که قانوناً حقی دینی امر ندارد رسماً پروتستهای لازمه پهرجا خواهند نمود

ملتیان بیکوینده ما اول باید تمام قبل از آنکه کمرک به تصرف ملت آید دولت انگلیس از رهن کمرکات چیزی میگرفت یا نه ؟ فی الواقع اگر رهن بوده لابد از طایعات کمرکات چیزی میگرفت ، این نکته واضح است از وقتی که مطهر لدین شهاب از روس استقراض اولی و نمود استقراض روسی اردولت انگلیس شده که کمرکات رهن گزارده شود ، چه از آن بعد بدون

رضایت دوس قرض رسمی نمیتوانستند از دولت دیگر نمایند

این را میدانم که استقراض غیر رسمی بطریق دستگردان از تنگ شاهنشاهی شده ولی ضمن رسمی واقع نگردیده گویا چیزی که بتلاشی واقع شده هانا مزد پائی است که قسوت بین الدوله عمده حواله کمرکات خلیج شده است ، ولی مد از آن همه رونتهای رسمی ملت ، اهالی عباسی بدون اجاره سایر مراکز مشروطیت ایران زبر بار قبول نتوانند رفت ، با این همه با قونسل در کمال محبت و دوستی اند و این گفتگویی قانون طرفین رعیده هستند و رعایای خارجه در کمال آسایش و شهر و نواح در منتهای املیت است

مسئله دیگر که مورد مناقشه و مخاربه شده این است که معادن کل سرخ که در اجاره آقا محمد معین النجار بوشهری میباشد گویا کبابی انگلیس شرکت کرده چنانچه وفق که مشروطین عباسی با چند نفر سرباز برای تصرف معدن (کل سرخ) که در جزیره هرمز است میفرستند از جانب قونسل انگلیس اخبار داده شده که چون معدن هرمز در اجاره کبابی انگلیس میباشد حق دخل و تصرف ندارند ، معلوم نیست این امر را از طهران تلگرافاً خبر داده اند یا اینکه ناشی از خود عباسی است ، درین باب تاکنون اقدامی نشده و جواب قونسل نداده اند

امروز جناب مصباح دیوان بزم بدین قونسل تشریف برده البته بعضی مذاکرات لازمی بعمل خواهد آمد ، چنانچه مطلبی بدست آید آیه خواهم نگاشت ، ادا جای شبه نیست که معین از دولت اجاره گرفت و دولت بهیچوجه امتیاز بخارجه نداد ، و در امتیازنامه هم معین اختیار نداشته که با خارجه شرکت نماید و با اجاره دهد اگر عمده خیانت و غیرقانونی بوده است چه در اواخر مجلس شورای ملی مصمم بودند که تمام این اجاره ها را از معین بازگیرند ، اگر بای خارجه در میان بود معین نمیتوانست جواب دهد ، این گذشته معین اجاره از دولت عمده فرقی است بین امتیاز و اجاره ، ملت عباسی فعلاً در این امور از روی قانون مشغول تحقیق است ، میگویند «تب فراروند در بیکار است» و

چون برده برداشته شد رفع مناقشات آسانی میگردد ، بنفیده دانایان ، معین خواهشی از وزارت خارجه طهران کرده و وزیر خارجه هم از سفیر انگلیس استدعای نموده تمام این مراتب خواهشی است نه قانونی ، در روز از قونسل خانه انگلیس چنین خبر رسیده که چون عمده زیادی از اطفانه که در جاشک و بیابان بوده به سمت میناب بخیسال قارت حرکت کرده اند برای حفظ رعایای خود چهار جنگی محاب میناب فرستادیم ، و قدغن عمده که تمام دقار و سندات و تقدینه که در میناب رعایای انگلیس دارند بر چهار حمل نمانده باید دید چه پیش آید ، آنچه واقع شد من بعد خواهم نوشت ، فعلاً اسباب درد سری ازین مخبرات فراهم است

چه قدر مناسب بود در این ایام چند نفر نمایان از سایر بلاد در عباسی آمده این مشت اهالی عباسی را راه نمان مینمودند که در این سرحد مهم خلیج ضرورت است ، مشکل تر از همه این است که دندان ما اهالی عباسی را خارجه ها شمرده و همچو یقین کرده اند که اهالی بندر عباس هیچ چیز بنیسا و نمیدانند که سهل است نباید هم بدانند ، ملت عباسی در ملتها درجه برداری در پیشرفت مقاصد ملیه مشغول است انجمن ولایتی بندر عباس بدین قرار تشکیل شد از جانب علماء جناب ، مستطاب شریعتمدار آقای آقا شیخ علی دشتی

ارباب مجار - جناب مستطاب حاجی شیخ احمد کله داری
از جانب بزازان - جناب مستطاب آقا سید محمد هاشم
از جانب سایر اصناف - جناب مستطاب حاجی سید محمد شریف اوزی
از جانب ملاک - جناب خیر الحاج محمد مهدی ،
تاجر اوزی
از جانب ملاح و عالی دریا - جناب آقا ابراهیم کله داری ، این شش هر بنفوان وکالت منتخب و علاوه نیز شش نفر رای نظارت و معاشرت به وکلای محترم این قرار انتخاب شدند ، جناب حاجی محمد شریف ملاک النجار - جناب آقا سید هاشم - جناب آقا محمد علی تاجر اوزی - جناب آقا محمد ابراهیم بوشهری - جناب حاجی ابوطالب بوشهری - جناب آقا میر محمد

وزی نام امور راجعه بانجمن در محضر این دوازده نفر بحث شده با کثرت آراء فیصل خواهد یافت . این حضرات محترمین با وجود مشغله تجارتی نظر به ملت خواهی و وطن دوستی قبول این زحمت فوق العاده را نیز کرده اند

خبر درستی از بوشهر نداشتیم ، همین قدر مسموع شد که رئیس و اعضاء انجمن عباسی سری داشت تا آنکه آشکار گردید که نام سرکردگان تنکچی و نجار و اهلبان و سادات و اهالی همگی با هم مساعد نموده تکلام الله قسم یاد کرده اند که ذره خلاف هدبگر و مخالف مشروطیت راه نبرایند ، امیدواریم اندک مخالفتی هم که در بین پیدا شده رفع شود . و درین موقع نازک طالی را بر اهالی خلیج نهنداند و اسباب اقتضای نام اهالی سواحل نکرند

تلگرافی حیرت خیز امروز از بوشهر بباسی رسیده که « تا بهین جناب معین التجار باید از مرحبت مرغه و آسوده باشند و کسی متعرض حال ایشان نباشد . و بکلی دخل و تصرفی در ابواب جمعی جناب معین التجار نمایند » این تلگراف اسباب خنده شد . و جمعی او را جعل می پندارند ، چه حکم بر اهالی عباسی و انگلیسی باین استبداد یعنی چه این تلگراف میگوید (۵۰۰۰۰) نفوس میناب و جزائر قسم و هرمنه و بندر خیر که چندین سال است تحت فشار استبداد هستند و حاکم بر ایشان باقی مانده امروز هم از نعمت مشروطیت محروم و در همان فشار استبداد باقی باشند ؟ ولی ما ملت عباسی این فقرای بچاره را که و دینه خداوندی هستند نمیتوانیم از حقوق مشروعه شان محروم داشته باشیم کافی السابق در فشار ظلم و استبداد باقی گذارده تا نفس راحت نکشند

« جبل للذین »

الاناس ما ماتت نجیب عباسی این است که قوانین مشروطیت را در جلو خود گذارده حرکت نمایند و سفارش و وساطت که بزرگترین دوا می استبداد محسوس است از هر کسی و درباره هر که باشد منظور نه نمایند . و در حفظ مال و جان و طایبی خارجه بذل جهد نموده ازین رهگذر اطمینان حاصل کرده مرعوبیت را از خود دور داشته از روی قوانین مشروطیت با آنها بگویند

و بشنوند و با سایر مراکز مشروطیتین مراسلات کاتبی و تلگرافی در امور لازمه به نمایند . شهادت آنها بنسبت جهت کرور ملت ایران در طریق حقوق طلبی با شما شرکت دارد

و ما از جناب جمعی کرور ملت ایران از نمایندگان دولت فخریه انگلیس در خلیج فارس استعاضی می یابیم که درین موقع اهم حسن ظن و توجه ملت را نسبت بدولت متبوعه خود نشان زیاد نمایند . یعنی بحقوق خود راضی و بی طرفی اختیار نموده و ساطحانیه مستبدین را قبول نقرمایند ، و ملت و دولت را بحال خود گذارند

« وقایع بوشهر ۱۸ ع ۱ »

(وقایع نگار ما)

« العجب ثم العجب بین الجمادی والرجب »

(قابل ملاحظه دینداران صداقت پیشه)

کرم که بدست « ملتبان » افتاد بلا تأمل به جوقه مستحفظین را در آنجا گماشته . و گماشته مخصوصی هم از طرف جناب مستطاب اهرمی برای بطارت مالبه تمیین شد و بر اعمال نحو بگذارفتیش میگرد و هر چه در هر روز محصولات کرمی بود می رود - صندوق آهنی هم که در کرمی مخدومی و جوهات و مغفل مانده و کلیدش نزد رئیس سابق بود و او هم از دامن امنی مانع مینمود و با وجودیکه چندین مرتبه از او خواش شد کلید را دهد ابداً اثری نکرد . آخر الامر حزب مجامدین همچو صلاح دیدند که بوطانی که در آرزو صدوق محفوظ است تصاحب کنند ، و هر جا به ملاحظاتی چند بعضی اگراه از این عمل داشتند . ولی احرار که هم خودشان را برسانیدن آن بول مصمم نموده بودند مجاب نشدند ، و هر طور بود شبانه صندوق را به هزار زحمت و سمرات شکسته روجه آرا که بگویند از شش هزار تومان پیش بوده برداشتند و طولی نکشید که انبارهای کرمی را باز کرده از قرار مسموع صد و هشتاد و هشت و هشت فیضه قنک و پست و بجهزار فشنگ گرفته و بولها مایع می سازند - بجهار آن حرکات را تا اندازه مواظبت میگردند ، روز بعد انجمن آمده رأیشان بر این قرار گرفت که نگذارند جوهات ملی بدون ملاحظه و

حساب خرج خود، و اضبط و نظم در کار باشد، لذا تکلیف سکرده که باید بولها را نزد کسی نامت نگذاریم، و از تعداد تنگهی بکاهیم، ولی بعضی مصاحبت نداشته و فرمودند سکه وقت جایازی ما پیش اقتادیم و در راه ملت داران خودمان را روی دست نهادیم و حالا شما میخواهید قوای ما را محدود بسازید، از انجبه قبول نداریم و اگر هم بعضی ملاحظات داشته باشید حاضریم که از شما برویم

نخار هم که حالا فهمیده اند سستی و حسنی چه نتیجه مار میآورد خواستند با کجدار و میز رفتار کنند - در خلال این احوال هم مردم مردم از حرکات آن حزب اظهار خنجر و آزردگی میکردند و میگفتند که بول ملت نباید بچیب جی کلاش و مفت حواری برود، و در هر مجلس و در هر جا سخن از این باب درکار بود اما کسی نمیتوانست اظهار مطلب را شفاهی کند - دو روز بعد جماعتی از تنگچیان دشتی سرگردی میر زین الدین رسیدند و تنگچیان شکستانی که در اول کار حاضر بودند بسایه لند لند نهادند که چرا ما را سخر میآورید و میگرفتند احضار میشوند - انجمن ولایتی هم جدید مرتبه انضاد یافته صحبت از تعیین امین مالبه در میان بود، ولی بواسطه جدیت حزب مذکور در نگاه داشتن بول نزد خودشان نتیجه درستی بدست میآمد و همی می نشستند و می گفتند و بر میخواستند و مردم که سر رشته از کف داده بودند نه بجرهای انجمن و نه باظهارات آمان متقاعد میشدند، و در هر گوشه و کنار حرف بول بود که سر زبانه رواج داشت از شیراز تلگرافی انجمن رسید که از دیر شدن مشروطه در بوشهر خیلی متعوف هستیم و امیدواریم ما همراهی حساب معزله و دیرالمالک (نایب الحکومه) مشغول کار ما باشید تا بطور خوبی انجام گیرد انجمن محترم حوائی سخت داد که تا آسف اللهوله در شیراز باقی مانده ابدأ مشروطه رواج نگیرد و شما خوب است او را بیرون کنید و اگر بیرون رفت ما برادرش معزله را بسزای آن خطبات کثیر خواهیم کرد -

بعد از چند روز حزب مذکور لازم دانستند که کار

گذار منزل (اعتلام اوله) را تحت الحفظ نگذارند، و یکدسته تنگهی بخانه او فرستاده چند بوم در آنجا بودند و پس از آن حرکت کردند و حالا مشار الیه مطلق المنان است، اما حکمران منزل را تاکنون توقیف کرده اند، و قرار است همینکه جواب شافی از شیراز رسید او را مستعاض و الا آنچه را درباره او لازم دانند معمول فرمایند.

افواضات شهری بحدی زیاد است که اسان نمیدانیم کدام یک از آنها را قبول کنند و بنویسند، یعنی هر کس هر چه میگوید نباید باور کند، بوشهریها هم که یک بارچه خفاقی و بی علمی هستند این قدر پیرایه بر افواضات می بندند که اصل حقیقت کم میشود، از جهت حرفها اینست که تا الیوم بیست و دو هزار تومان از بول گرو جمع شده و عینکس میداد چه شده است؟ البته استمداد و قشون بی خرج و مفت میشود ولی راه درستی و صداقت اینست که صورت حساب مخارج را نشر دهند تا همه کس بفهمد که چه شده و چه میشود، همینطور ما هم درباره جی دیگر حرف میزنند و میگویند ایشان تا بحال مبالغ کلی از دستگاه در دیده و بلسم مخارج برده اند، هر کس رأی خودش تخمینی میزند که فلان کس چه مبلغ و جهان آقا چه قدر برده و لیکن واقع اعلی بالصوب

بموجب کثرت آرائی که در انجمن شده بود امیر چه بحکومت بوشهر نصب گشت و مقرر بود که سه روز بعد از آن بامور حکومتی اشتغال ورزد، ولی میگویند که بعضی بعد از آن مصاحبت ندیدند و امیر چه هم آخر حاکم بعد، در این ضمن همه مردم از اعتدالهاش که در دستگاه میشد بتنگ آمده صداها بلند شد، و تجار باهم اجتماع نموده چندین مجلس کردند و روز ۱۱ ع ۱ تمام رؤساء تنگچیان را احضار کرده قسم دادند که با مشروطه همراه و با استبداد مخالف باشند و همی رأیشان بر این قرار گرفت که هر طور باشد حزب مذکور را متقاعد سازند و نگذارند وجوهات ملت تفریط شود.

روز دیگر انجمن ربا و جمیع تجار حاضر و عده نقیری هم از مردم آمده بودند و حزب مذکور هم دعوت شدند ولی نیامدند فقط یک نفر از جانب خود فرستادند

او هم حساب خود را زبان بیان کرده چنین گفته که
 رهض ای رده روز هجده هزار تومان محصول کمرکات
 ده و از آن جله هشت هزار تومان برای تشکچیان
 اده شده و دو هزار تومان مخارج همراه گردیده که
 رگزش موجب ریاست و یک هزار تومان هم مصارف
 لازمه خودمان بوده و ما بقی حاضر است ، از طرف
 انجمن زابر حاضر خانرا با چندین نفر دیگر فرستادند
 که بقیه پول را بیاورد ولی حزب مذکور فرمود که
 گوینده خود سر این حرفها را گفته و غلط نموده و هر
 چه در این ده روز بدست آمده هم صرف شده و
 چیزی باقی نمانده است و پنج روز مهلت بدعید تا
 تمام محاسبات را مرتب کرده بانجمن بدهم. همه مردم از
 این نوع امانتداری متعجب شده و هرکس انگشت
 حیرت بزدان گرفته که چه طور شد که همچو اشخاصی
 که خون خود را میخواستند در راه ملت بریزند از
 پول کمرک که هر قازی از آن مطلق بفردی از ملت
 است صرف نظر نموده و کلوگیرشان شد

(رسم آزرده شوی وره سخن بسیار است)

این اخبار صبح هفته گذشته بود

همزالدوله هم که تحت الحفظ مانده بود بامر انجمن
 مطلق العنان شده و فعلاً وجوهات کمرکی با هم سه نفر
 تاجر در بانک امانت گذارده میشود یک صد و هشتاد
 و هشت قبیضه تنگ و ۲۲ روالور و ۲۲ هزار فشنگ
 که در کمرک بود و رده بودند حالا که انجمن در این
 باب گفتگو میکند ميفرمايند که اسلحه مزبور در دست
 احرار است و چندین روز طول میکشد تا وقتیکه آنها
 را پس بگیرند. هر صورت طرح خوبی فراهم نیامده و
 باقی بسته بتم مبر محترم است که طرفین را موعظه به
 اتحاد و اتفاق فرماید

حبل المتین

(ب چاره اگر مسجد آدینه بسازد)

(با طاق فرود آید یا نه کج آید)

سدار آنکه شرق و غرب و شمال و جنوب
 ایران از استیاض ملت خواهان بزلزل در آمده و
 جان نموده که بانک حق خواهی از آن بلند نشود
 چشم امید ایرانیان بسوی و شهر بود که کی از سق
 و نیل دست کشیده بکاروانس نجات مامق گردد

و خود را بدبکران رساند ، و ظن قالب دانایان نیز
 چنین بود که مجاورت خارجه و کثرت مراوده با آنها
 آثار و نتایج خوش بروز کند که باعث سرافرازی
 ایرانیان بوده باشد و هر روزیکه طی میکشت امید دانایان
 قوت میگرفت ، تا اینکه اخبار حرکت آنجا رسید و
 ما هم با کمال خوشحالی مانشارش بوقت جستیم و امید
 و اتق داشتیم که انتظام کارهای آن نواحی جان مرطوب
 و مطلوب باشد که بلاد دیگر از آنجا سر مشق بگیرند
 ولی (خود غلط بود آنچه ما پنداشتیم) و اصافاً تا
 موقع امتحان نیاید هنر و بیتهری مرد موقع بروز جلوه
 نماید - حرکت پونشهریان مقدمه خوشی داشت و
 اعتقاد ما بود که عقل و فراست ایشان میکندارد خللی
 در کار نیاید ، اما حالا از فرار تلکرافات روزن ضائق
 و دویت دارد سخت کار میکنند ، نجار پونشهر در این
 چندین ماه تا توانستند بکمال استبداد وضع مشروطیت
 و مسلمانان اقدام کرده فرستهای خوب از کف دادند
 و هر قدر زحمت و خسارت شان بیشتر گردید سکوت
 و برداری ایشان زیاده پذیرفت ، باوجود آن همه
 اقتشاش طرق و شوارع و سرفت مال الدجاره و هب
 پست که لاینقطع در کار بود آن آقاان ابدأ بروی
 خود نیاورده که وضع از چه قرار و موقع مقتضی
 چه نوع رفتار است ، و همی دانسته ضائق را گرفته تا کار
 از دست رفت ، اگر دو سه ماه قبل یا اقلأ یکماه قبل
 از این وضع خوب اجتناع کرده و دو سه روزی
 تسلیل عمومی نموده تلکرافات به پای تحت و بلاد
 دیگر میکردند و عودت مشروطیت و استقرار عدالت
 را خواستگار میکردید البته هم تا چند درجه کس
 اهمیت میکردند ، و هم این نوع سوء اتفاق پیش نمی آمده
 ولی تأسف داریم که ایشان دست روی دست نهاده
 گویا کاورا محول بطیعت روزگار گذارده بودند ، ولی
 اینهم از ادراک آنها بعبه است - از این حبه حالا
 مراقبه ناگواری رخ دهد و هر طور بزی که بوقوع
 برسد و حراموالی که قارت شود بفقیده ما از همان وحسی
 و بی اعتنائی نجار آپ میخورند و مسئولیتش بر
 گردن آنها وارد میآید ، در هیچ مطنه از دنیا
 زوری و تکبر و ظن عسار مخرج میورد و هر کس که
 میخواهد طرف احترام عمومی رافع شود و حجاب